کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شماره ۹۲۹، ۱۸ شهریور ۱۳۹۲
دورهٔ هشتم، سال بیست و هفتم

تأملی بر بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با انتشار بیانیه‌یی، ۷ شهریورماه، دیدگاه‌هایش در ارتباط با تحول‌های سیاسی ایران– و نقش اصلاح طلبان در این فرآیند– را تشریح کرد. بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ازآن روی که در آن با تناقض های گوناگون روبه‌روییم، نیازمند واکاوی است.

بیانیه به فشارهای وارد شده پیش از شروع انتخابات به فعالان سیاسی، به خصوص بر اصلاح طلبان، با هدف برگزاری انتخاباتی مهندسی شده و سپس رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی، اشاره می‌کند، و این فشارها را از جمله دلیل‌هایی دانسته است که این سازمان را به گزینهٔ شرکت نکردن در انتخابات ریاست جمهوری کشانید. بیانیه در ادامه آورده است: " اما نقش آفرینی پاره‌ای عوامل و رخدادها طی آخرین روزهای منتهی به روز رأی‌گیری، که بررسی آن نیازمند مجالی دیگر است، به تغییر موازنه صحنه رقابت و ناکامی تلاش اقتدارگرایان

ادامه در صفحه ۲

راهبرد اقتصادی رژیم ولایت‌فقیه، و سیاست وزیر جدید کار توسعهٔ اقتصادیِ ویتنام، همچنان ادامه دارد — در صفحات ۷ و ۸
در صفحه ۱۱

دست امپریالیسم از سوریه کوتاه!

** حزب تودهٔ ایران هرگونه مداخلهٔ نظامی در درگیری‌های سوریه را با قوت و شدت محکوم می‌کند، و آن را برضدِ آیندهٔ صلح، رعایتِ حقوق بشر، و دموکراسی در این کشور و خاورمیانه می‌داند!*

** سیاستِ خارجیِ ایالات متحده و متحدانِ آن در "اتحادیهٔ اروپا" و حکومت‌های مرتجع خاورمیانه، در مسیر پیشبردِ طرحِ "خاورمیانهٔ بزرگ" و عملی کردنِ آن، و استوار داشتنِ سروری همه‌جانبهٔ امپریالیسم در این منطقهٔ استراتژیک جهان است.*

** حمله نظامی ایالات متحده به سوریه زیر هر پوششی می تواند منطقه خاورمیانه را به درگیری های وسیع، مخرب و خونین نظامی جدید بکشاند.*

ادامه در صفحه ۶

به یاد آر!

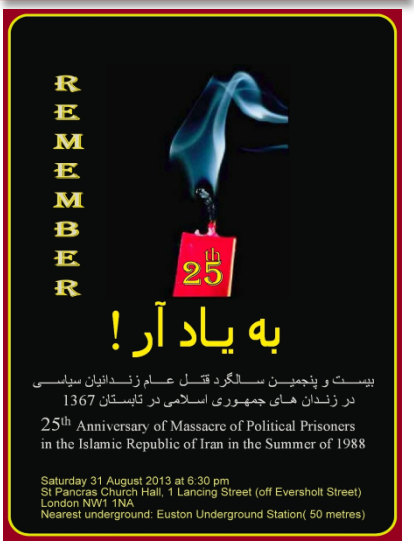

مراسم گرامی داشت خاطره هزاران جان باخته فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی ایران، با شرکت شماری از نیروهای مترقی ایران و دیگر کشورها در لندن برگزار شد.

در این مراسم، نخست نمایش کوتاه ویدیویی از گلستان خاوران و مبارزات پیگیر خانواده زندانیان سیاسی و جان باختگان خلق به نمایش گذاشته شد و در پی آن یکی از زندانیان سیاسی، از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، که در زندان های اوین و گوهر دشت از نزدیک

ادامه در صفحه ۳

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

ادامه تأملی بر بیانیه سازمان ...

انجامید. جامعهٔ ناامید اما مستأصل از وضع موجود، به یکباره به حرکت درآمد و در محدودهٔ تنگ انتخاب، رأی خود را به نفع تنها کاندیدای تغییرخواه به صندوق ریخت." بیانیه در "تحلیل وضع موجود"، از جمله آورده است: "کشور ایران به‌لحاظ اجتماعی، اقتصادی، سیاست داخلی و سیاست خارجی یکی از بحرانی‌ترین و حساس‌ترین شرایط دوران پس از انقلاب را تجربه می‌کند." بیانیه با تشریح نابسامانی های عدیده در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی، در ادامه می‌نویسد: "نتایج انتخابات ریاست جمهوری یازدهم نه حاصل اراده اقتدارگرایان حاکم به تجدید نظر در روش‌های گذشته، بلکه نتیجهٔ تحرک جامعهٔ مستأصل و نگران از آینده، ابتکار عمل اصلاح طلبان، و اشتباه محاسباتی اقتدارگرایان حاکم بود."

حزب توده ایران، از هنگام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری تاکنون، موضع‌گیری‌ها و نظرهایش را در این ارتباط بیان کرده است، و معتقد نیست که برگماری حسن روحانی به دلیل اشتباهِ محاسباتیِ رهبری رژیم ولایت فقیه بوده است. جالب است که بیانیه ضمن اشاره به این نکته که، حذفِ رفسنجانی از صحنه انتخابات، این سازمان[مجاهدین انقلاب اسلامی] را مجبور کرد تا به گزینهٔ تحریم انتخابات روی آورد، اما از بیان این نکته که چرا روحانی تایید صلاحیت گردید، سخنی به‌میان نمی‌آورد. بیانیه با تشریح اوضاع وخیم کشور در عرصهٔ داخلی و بین‌المللی، این نظر را طرح می کند که: "شرایط موجود حاصل هشت سال ریاست جمهوری احمدی نژاد بوده است." ما برعکس معتقدیم که وضعیتِ موجود، حاصلِ ادامهٔ همان سیاست‌هایی است که به‌خصوص از هنگام ریاست جمهوری رفسنجانی مرحله‌های اجراییِ آن به‌طورِرسمی آغاز شد. تناقض بیانیه در همین نکتهٔ کلیدی نهفته است. خیزشِ مردم در دوم خرداد ۷۶، و "نه" تاریخی آنها به رژیم ولایت فقیه اتفاقاً در واکنش به سیاست هشت ساله دولت رفسنجانی روی داد، یعنی سیاستی که با ورشکستگیِ سیاسی و اقتصادی و تنش‌های بین‌المللی توأم بود. افرادی که در آن زمان باعث به وجود آمدن آن چنان وضعیتی گردیدند، هم اکنون در کابینه روحانی پست‌های کلیدی را در اختیار دارند و به همان سیاست‌هایی پایبندند که نتایج آن بر همگان روشن است.

بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم از دوم خرداد حمایت می‌کند، و هم رفسنجانی و نحلهٔ [آموزهٔ] فکری وابسته به او را جزوِ جریان اصلاح طلبی ارزیابی می‌کند. جریانِ وابسته به رفسنجانی، در طول دوران ریاست جمهوری خاتمی، مخالفت آشکاری را با جریان اصلاح طلبی به‌نمایش گذاشت، که انحلال شورای شهر تهران از نمونه‌های زنده آن است. سخنان الیاس حضرتی- مدیر مسئول روزنامهٔ اعتماد، از مهره‌های نزدیک به رفسنجانی، و مخالف اصلاح طلبان در دوران خاتمی- روشنگر این واقعیت است. به گزارش اعتماد، ۱۲ شهریورماه، الیاس حضرتی در نشست اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل، از جمله گفت: "ما در مسایل کلان اشتراکات داریم، اما در موضوعات فرعی و تاکتیکی اختلاف داریم. اجرای حاکمیت دینی، اجرای قانون اساسی، اعتقاد به ولایت فقیه جزو اشتراکات ما است. اما به عنوان مثال وقتی می خواهیم همه بندهای قانون اساسی اجرا شود، صدای آنها کمی پایین‌تر می‌آید و گاهی در اختلافات که عمدتاً در تاکتیک‌هاست، صداها بالاتر می‌رود. ... حادثه تلخی در سال ۸۸ پیش آمد و ضرر سنگینی به نظام زد و دودش به چشم این مردم رفت. با فضای جدید ملت وارد فضای جدیدی شدند، نا امیدی‌ها به امید و شور و نشاط تبدیل شده، یک جایی به خاطر منافع ملی و اعتبار این ملت باید بر گذشته‌ها صلوات بفرستیم و تمام بکنیم." نحله فکری وابسته به جریان رفسنجانی اعتقادی به اصلاحات ندارد، وعملکرد تاکنونی‌شان هم این نکته را ثابت کرده است. در بازیِ تصاحب قدرت، این نحله فکری معمولاً با مانور بین نیروهای سیاسیِ درگیرِ با یکدیگر، موقعیتش را مستحکم و یا حفظ می‌کند. در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، حجاریان و گروهی دیگر از اصلاح طلبان، نظریه "آرامش فعال" به عنوان تاکتیک مبارزاتی "چانه زنی در بالا" به اجرا درآمد که از جمله عواقب مخرب عقب نشینی مداوم اصلاح طلبان در مقابل فشارهای نیروهای ارتجاعی و پایمال شدن حقوق و خواست های توده های مدافع اصلاحات بود. به‌نظر می‌رسد این سیاستِ آزموده شده و شکست خورده، در شکل و شمایلی جدید، به عنوان راه حل جلوگیری از "زیاده خواهی" توده ها و کمک به دولت جدید مطرح می شود.

بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، بر بستر چنین سیاستی به تحریر در آمده است. برای مثال، بیانیه- در چندین مورد- از جمله می نویسد: "این انتخابات همچنین از عمیق‌تر شدن شکاف و روند جدایی اصول گرایان معتدل از جریان‌های افراطی حکایت داشت. ... حاکمیت قادر به حذف اصلاح طلبان از عرصهٔ سیاسی کشور نبوده و نخواهد بود، اما اصلاح طلبان فاقد توان لازم برای وادار کردن حاکمیت به پذیرش رسمیت و مشارکت خویش در ساختار قدرت هستند. ... او[روحانی] خواهد کوشید قشر عاقل اصول‌گرایان (شامل اکثریت اصول‌گرایان به‌غیر از گروه‌های نزدیک به سپاه، کیهان، و جبهه پایداری) را با خود همراه کند. ... در شرایط حاضر که کشور در سطح ملی با مشکلات، تهدیدها و آسیب پذیری‌های سختی مواجه است، اصلاح طلبان باید در جهت ائتلافی ملی میان همه احزاب و گروه‌های دارای تعهدات و انگیزه‌های ملی از جمله اصول‌گرایان معتدل و معتقد به منافع ملی تلاش کنند." آیا دیدِ کلیِ "بیانیه"، که پیشبردِ روندهای مورد نظر را در به وجود آمدن همکاری بین طیف‌های مختلف حکومتی جستجو می کند (و از بین‌شان چند گروه را مستثنی می‌کند)، اتفاقی است و یا اشتباه در ارزیابیِ آن‌ها در مناسبات جناح های حکومتی است و یا اینکه بر اساس تفکریِ تنظیم شده است که بازگشت به سیاست‌های شکست خورده‌یی همچون "آرامش فعال" را تداعی می‌کند؟ جالب اینکه، در بیانیه به رویکردی که بر تکیه کردن به جنبش‌های اجتماعی مبتنی باشد اشاره نگردیده است، و به همین دلیل است که بیانیه در ارزیابی اش از اصلاح‌طلبان، آنان را در واداشتنِ حاکمیت به پذیرشِ رسمیت و مشارکت شان در ساختار قدرت فاقد توانِ لازم می‌داند، و به‌طورِمتناوب، بر نقش اصول‌گرایانِ معتدل تاکید می‌ورزد. هرچند که بیانیه به طورِمستقیم از شخصیت و گروه معینی نام برده نشده است، اما به نظر می رسد که از جمله اصول‌گرایانِ معتدلِ مورد نظر آن، نیروهای فعال در هیئت موتلفه‌اند. این جریان سیاسی متحجر و ضدمردمی، نه‌تنها با جنبش اصلاح طلبی آشکارا دشمنی می‌ورزد، بلکه در به‌انحراف کشاندن انقلاب شکوهمند ۵۷ نیز نقشی مهمی را ایفا کرده است. نکته دیگر در این "بیانیه"، القای این نظریه است که، روحانی به اصلاحات سیاسی و اقتصادی به نفع توده های محروم اعتقاد دارد، اما با مانع ها و مشکل‌های بسیاری روبه‌رو است. ما برای اینکه این ارزیابی را بررسی کنیم، به قسمتی از بیانیه که به رویکردهای اقتصادی دولت روحانی می‌پردازد اشاره یی می کنیم تا درستی یا نادرستی این ادعا را بسنجیم. "بیانیه"، با اشاره به تجربه‌های گذشته که در آن به خواست‌های طبقه‌های محروم و فرودست بی‌توجهی شد و در انتقاد از سیاست‌های نولیبرالی، می‌نویسد: "محوریت اقتصاد نولیبرالی از یک سو و تلاش افراطیون حاکم در جلوگیری از توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از سوی دیگر می‌تواند زمینه را برای بازگشت پوپولیسم طی سالیان آینده فراهم کند. دولت روحانی در سیاست های اقتصادی و اجتماعی خود باید به این آسیب پذیری توجه ویژه‌ای داشته باشد." در بیانیه، به اتخاذِ چنین رویکرد اقتصادی‌ای نه از منظر انتقادی بلکه با نوعی ابراز نگرانی توجه می‌شود. اینکه این قسمت از بیانیه در چه شرایطی تنظیم شده است بر ما معلوم نیست، اما از هر دید و زاویه‌یی که بخواهیم آن را بررسی کنیم، دغدغهٔ دولتِ روحانی به خصوص در این عرصه [رویکرد اقتصادی] با خواست های زحمتکشان میهن به‌هیچ‌عنوان تناسبی ندارد، و سیاست‌های آشکار و نهان دولت‌مداران جدید پیرامون یورش به منافع زحمتکشان تنظیم گردیده و در حال پیاده شدن است. فرشاد مومنی، اقتصاددان، در مصاحبه با ایسنا، ۱ شهریورماه، به نکته جالبی اشاره می‌کند، و آن، توجه نکردن به تجربه‌های تاریخی است. او با این توضیح که، تاریخ همانند آیینهٔ عبرت است و باید از تجربه‌های تاریخی برای اصلاح و بهبود تصمیم‌گیری حال و آینده استفاده کرد، می‌گوید: "طی پژوهشی که در مقایسه و بررسی اولین و آخرین شوک نفتی سال های ۱۳۵۳ و ۱۳۸۴ انجام دادیم نشان داد که حدود ۹۰ درصد اشتباهاتی که در دور اول شوکِ افزایش قیمت نفت ایجاد شد در دور دوم نیز تکرار شد. ... باید امیدوار بود که لااقل در دولت جدید این روندِ بی‌اعتنایی‌ها متوقف شود." همو، در گفت‌وگو با روزنامه شرق، ۳ شهریورماه، می‌گوید: "در چارچوب برنامه تعدیل ساختاری که به‌طرزی خسارت‌بار و واقعاً فاجعه‌آفرین در ایران هم به‌اجرا درآمد انسانیت انسان‌ها به چالش کشیده شده و چون منطق بازار از کانال برنامه تعدیل ساختاری سیطرهٔ اجتماعی هم پیدا کرد و هرکس صرفاً به اندازه پولی که در جیب داشت صاحب حق به‌حساب آمد و در دستور کار قرار گرفت، احساس تحقیرشدگی به انسان‌ها دست داد. وقتی خاتمی آمد برای انسان‌ها به حکم انسان بودن منزلت قایل شده پس بسیار مورد استقبال قرار می‌گیرد بعد این نکته را گوشزد کردم که اگر جناب آقای خاتمی و همفکرانشان گوهر این مساله را درنیابند و به اعتبار تجربه‌ها و تحلیل‌هایی که ما داشتیم کشوری که درگیر برنامه تعدیل ساختاری می‌شود انگار که وارد باتلاقی شده که هر چه بیشتر دست و پا بزند بیشتر فرو می‌رود. هشدار داده بودم اگر آقای

ادامه در صفحه ۱۰

ادامه به یاد آر ...

شاهد جنایات رژیم ولایت فقیه بوده است، به سخنرانی پرداخت. سخنران ضمن اشاره به وضعیت دشوار زندانیان سیاسی در سیاه چال های رژیم ولایت فقیه، از تلاش مشترک همه نیروهای مترقی در زندان برای مبارزه متحدانه بر ضد جلادان سخن گفت. سخنران در بخش دیگری از سخنانش، به برنامه ریزی مشترک مبارزان دربند، از جمله رفقای توده ای و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در آن شرایط دشوار اشاره کرد و گفت این درسی است که امروز همه ما باید از آن بیاموزیم. سخنران در بخش دیگری از صحبت هایش به بازدید مهاجرانی، وزیر وقت دولت رفسنجانی، از زندان ها اشاره کرد و گفت که در آنجا زندانی جوانی از او پرسید که چرا ما را به عنوان زندانی سیاسی به رسمیت نمی شناسید و برای ما حقوقی قایل نیستید. به گفته سخنران مهاجرانی در پاسخ به این سئوال گفت "ما در ایران زندانیان سیاسی نداریم" و سپس در مقابل اعتراض انبوه زندانیان به سرعت زندان را ترک گفت.

سخنران بعدی این نشست نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران بود که در سخنان خود به بخش هایی از اعلامیه کمیته مرکزی حزب به مناسبت ۲۵-مین سالگرد فاجعه ملی اشاره کرد. پس از نماینده حزب دکتر بیژن حیدریان، یکی دیگر از زندانیان سیاسی رژیم خمینی دو قطعه شعر زیبا، که یکی از آنها سروده خود او بود قرائت کرد که با استقبال گرم حاضران رو به رو شد.

در جلسه یابود خاطره جان باختگان فاجعه ملی، نیز شماری از شخصیت ها و رهبران احزاب کارگری حضور داشتند. از جمله رفیق سلام علی، عضو رهبری حزب کمونیست عراق بود در سخنان پرشوری به خاطره جان باختگان راه آزادی و رفقای توده ای که در این فاجعه تکان دهنده جان خود را از دست دادند، درود فرستاد و از جمله گفت: "جنایت تکان دهنده قتل عام نزدیک به ۵۰۰۰ زندانی سیاسی از چنان ابعادی برخوردار است که آن را باید جنایت علیه بشریت دانست." رفیق سلام علی ضمن اشاره به مبارزه و پایداری قهرمانانی که بیش از ۲۵ سال عمر خود را در زندان های رژیم شاه سپری کرده بودند و سرانجام به دست رژیم ولایت فقیه به قتل رسیدند همچنین اشاره کرد که رژیم جنایتکار صدام حسین در عراق نیز در پی پایان جنگ، در سال ۱۹۸۸، حمله نظامی معروف "انفال" را به ۴۰۰۰ دهکده کرد نشین سازمان دهی که در جریان آن شمار زیادی بر اثر استفاده از سلاح های شیمیایی جان خود را از دست دادند و ده ها هزار تن به قتل رسیدند."

از جمله سخنرانان دیگر این نشست، آقای عزیزی بنی طرف، از رهبران جنبش خلق عرب بود. عزیزی بنی طرف سخنان اش را با این شعر حافظ آغاز کرد: "ان یار کزو گشت سر دار بلند – جرم اش این بود که اسرار هویدا می کرد" . وی گفت "فاجعه اعدام های تابستان ۶۷ در پنهانی تام و در هاله ای از سکوت و پرده پوشی انجام شد، اما مگر می شود چنین جنایتی را تا ابد پنهان ساخت." وی افزود: "پس از ۲۵ سال هنوز همه ابعاد مختلف این تراژدی بزرگ آشکار نشده واین کار وقتی ممکن است که آزادی بیان وامکان دسترسی به همه اسناد و مدارک قضایی آن دوره وجود داشته باشد." بنی طرف افزود: "حاکمیت تهران، سرکوب نیروهای شرکت کننده در انقلاب بهمن را از کشتار واعدام ملت عرب در شهر خرمشهر آغاز کرد و دو سه سالی است که بیشترین میزان اعدام در ایران از آن مبارزان خلق عرب است. ومی دانیم که خود ایران از این نظر در جهان مقام دوم را داراست." وی به دو گروه فعالان فرهنگی و مدنی عرب اهوازی اشاره کرد که حکم اعدام آنان به تصویب دیوان عالی کشور رسیده است وهم اکنون در انتظار اجرای حکم خود هستند وخواستار کوشش برای جلوگیری از اعدام این هموطنان عرب مان شد. بنی طرف در پایان سخنان اش درودهای خود و "کانون مبارزه با نژاد پرستی و عرب ستیزی در ایران" را نثار همه جان باختگان راه دموکراسی و آزادی و برابری در ایران نمود.

شرکت کنندگان در نشست همچنین پیامی از سوی آقای فرزاد حکمت، نماینده حزب دموکرات کردستان، در انگلستان دریافت کردند که در آن آمده بود: "دوستان و رفقای محترم شرکت کننده در مراسم یابود ۲۵مین سالگشت کشتار جمعی هزاران زندانی سیاسی توسط رژیم حاکم. بسیار مایل بودم که حضوراً در این جلسه شرکت داشته باشم ولیکن به دلیل یک قرار اضطراری که گریزی از اجرای آن نبود، مجبور به مسافرت به خارج از لندن می باشم و قادر به حضور در این گردهمایی شما نمی باشم.

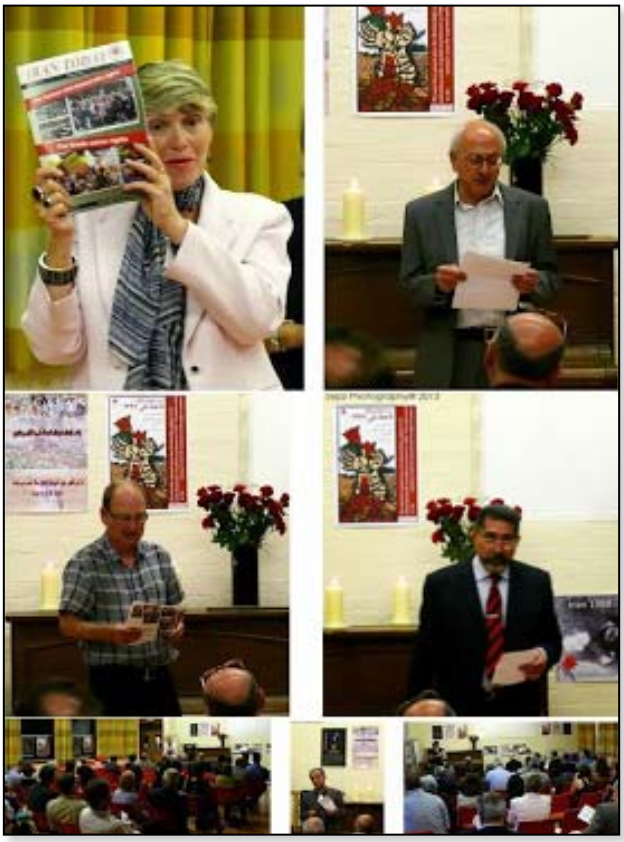

قبل از هرچیز از دعوت حزب دموکرات کردستان برای شرکت در این مراسم تشکر می کنم.

واحد حزب دموکرات کردستان در انگلستان همانگونه که در آغاز تدارک این برنامه اعلام کرده بود از اهداف و برنامه این گردهمایی حمایت کامل می کند. حزب ما جنایات رژیم خونریز حاکم در تهران را و از جمله جنایت بی سابقه و تاریخی آن در تابستان سال ۱۳۶۷ را قویاً محکوم می کند. ما ضمن اعلام همبستگی با خانواده های قربانیان این جنایت تاریخی از همه کوشش هایی که برای اعاده حقوق طبیعی آنان و اعلام رسمی اسامی قربانیان، تاریخ و محل اعدام آن ها، تصمیم گیرندگان و مجریان این فاجعه و به دست عدالت سپردن آن ها حمایت می کنیم."

از جمله سخنرانان دیگر این نشست رفیق استیو جانسون، از اعضای کمیته اجرایی حزب کمونیست بریتانیا، و رفیق الشیخ، از اعضای رهبری حزب کمونیست سودان بودند که در پیام های پرشوری ضمن ابراز همدردی با خانواده جان باختگان این فاجعه هولناک همبستگی کمونیست های بریتانیا و سودان را با مبارزات آزادی خواهانه مردم ایران ابراز داشتند.

رفیق لیز پین، از سوی شورای اجرایی "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" که در آن اتحادیه های کارگری، و نیروهای مترقی بریتانیا حضور نیرومندی دارند، آخرین سخنرانی این جلسه یادبود بود. رفیق پین ضمن ابراز تسلیت و گرامی داشت خاطره مبارزان راه آزادی که در جریان فاجعه ملی جان خود را از دست دادند، اشاره کرد که کشتار زندانیان سیاسی ایران به همه نیروهای مترقی در ایران، از جمله سازمان مجاهدین خلق، فدائیان اکثریت، حزب توده ایران، راه کارگر و دیگران لطمات جدی را وارد آورد. رفیق لیز پین اشاره کرد که "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" (کودیر)، در ۲۵ مین سالگرد این جنایت هولناک خواهان رسیدگی و روشن شدن همه زوایای تاریک و افشای همه سازمان دهندگان این قتل عام تکان دهنده است.

رفیق پین همچنین اشاره کرد که برای همه نیروهای طرفدار حقوق بشر و آزادی خواه، که خواهان یافتن پاسخ به این سئوال ها هستند، نگران کننده است که در سالگرد این جنایت هولناک یکی از سازمان دهندگان و مجریان این قتل عام در کابینه آقای روحانی بر مسند وزارت دادگستری نشسته است."

پایان دادن به سانسور، و تأمینِ حقوق نویسندگان، مترجمان، و ناشران

مخالفت و مبارزه با سیاست‌های قشری اعمال شده ازسوی نهادهای مختلف رژیم ولایت‌فقیه درعرصهٔ فرهنگی و هنری، از ویژگی‌های فعالیت روشنفکران و دگراندیشان میهن ما طی سه دهه اخیر بوده است. در طول هشت سال گذشته در دوران دولت احمدی نژاد، وزرات ارشاد به ارگانی در زیر سلطهٔ چهره‌های بسیار قشری و تاریک‌اندیش و به‌طورِعمده وابسته به نهادهای امنیتی– نظامی تبدیل شد، و جلوگیری از نشر کتاب‌های گوناگون و فشارهای برنامه‌ریزی شده بر روزنامه‌نگاران، نویسنگان، هنرمندان، و ناشران، در زمرهٔ سیاست‌های فرهنگ‌ستیز سالیانِ اخیر این ارگان بود. اینک با روی‌کارآمدن دولت جدید، یکی از خواست های اصلی نویسندگان، مترجمان، روزنامه‌نگاران، و ناشران، و به‌طورِکلی کوشندگان عرصهٔ فرهنگی و هنری کشور برچیدنِ بساط سانسور و فشارهای امنیتی از این عرصه است. هنگامی‌که علی جنتی، وزیر ارشاد دولت حسن روحانی، در ابتدای فعالیتش اعلام داشت که قصد دارد سانسور پیش از نشر کتاب از سوی وزارت ارشاد را به خود ناشران واگذار کند، با واکنش انتقادی و مخالفت قاطع ناشران و نویسندگان سراسر کشور روبه‌رو شد. وزیر ارشاد دولت یازدهم جمهوری اسلامی گفته بود: "در بخش نشر می‌توان به مجموعه‌ای از ناشران که خودشان اهل نظر هستند، اختیار داده شود که بررسی‌های لازم [بخوان: سانسور] را آنها انجام بدهند") خبرگزاری ایلنا، ۲۸ مردادماه).

درمخالفت با این طرح، که البته به‌هیچ‌روی تازگی ندارد و نخستین بار هم نیست که از سوی حکومت ارائه می‌شود، دبیر اتحادیه ناشران و کتابفروشان، در گفت‌وگویی با ایلنا، ۲۹ مردادماه، خاطرنشان ساخت: "مساله ممیزی در سال‌های اخیر اعتراضاتی را ازسوی ناشران به‌همراه داشته. ... منطقی‌ترین خواسته این است که اولا با اتکا به اصل آزادی بیان در قانون اساسی، قوانین و ضوابط نشر اصلاح شوند. فضای ممیزی همچنان فضای موهومی است و ناشر نمی‌داند استفاده از چه کلماتی درست است و یا چه کلماتی را باید با چه کلماتی جایگزین کند... ناشران نمی‌خواهند مسئولیت ممیزی به‌آن‌ها سپرده‌شود... تا زمانی که اصل قانون و ضوابط اصلاح نشود، چه فرقی می‌کند که ممیزی قبل از چاپ باشد یا بعد از چاپ؟ بعلاوه یکی از کارگردانان با سابقه سینمای ایران با اشاره به مواضع وزیر ارشاد به موضوع سانسور (ممیزی) اعلام داشت، با عملکردی که از مدیران و مسئولان فرهنگی وزارت ارشاد در سال‌های اخیر دیدیم، روشن است که آقایان ابداً سینما، ادبیات، تئاتر، موسیقی و سایر گرایش‌های هنری را دوست نداشته‌اند. به اعتقاد من تنها دغدغه‌ی موجود، دغدغه‌ی رسیدن به قدرت و حاشیه‌سازی برای اهالی فرهنگ و هنر بوده است."

درخصوص طرح وزیر ارشاد دولت جدید، باید تاکیدکرد که، کوشش برای سپردن سانسور کتاب به ناشران، و در حقیقت تحمیلِ ممیزی به ناشران، نخستین بار در دولت رفسنجانی در دهه هفتاد خورشیدی عنوان شد. در دولت ضدملی احمدی‌نژاد نیز این طرح برای مدتی ازسوی وزارت ارشاد پیگیری شد، اما مخالفت قاطع و یکپارچه ناشران و نویسندگان باعث گردید که دولت عقب نشینی کند و طرح به بایگانی سپرده شد. همان زمان گروهی از کوشندگان عرصه فرهنگ و هنر و دگراندیشان یادآوری کرده بودند که واگذاری امر سانسور به ناشران به معنی آنست که ناشران به کارمندان اداره سانسور تنزل مقام پیدا کنند! به‌هرروی، لغوِ سانسور و تأمینِ حقوق نویسندگان و ناشران از خواست‌های جدی کوشندگان عرصه فرهنگ و هنر از دولت کنونی است. سانسور در اساس به‌معنای پایمال کردن آزادی بیان و اندیشه است، و به‌کارگیری آن از سوی رژیم ولایت‌فقیه در راستای فرهنگ‌ستیزی و رواج و تقویت اندیشه‌های پوسیده و قرون‌وسطایی است. هدف سانسور در جمهوری اسلامی رویارویی با فرهنگ و هنر مترقی، مردمی، و ملی میهن ماست!

نجاتِ دریاچهٔ ارومیه: کدام راهکار و برنامه؟

وضعیت دریاچه ارومیه هر روز بیش از پیش رو به‌وخامت می‌نهد، و این نگین فیروزه ای طبیعت ایران با سرنوشتی بسیار نگران‌کننده و خطرناک روبه‌رو می‌شود. در چندسال اخیر، و پس از آغاز روند خشک شدن دریاچه– که سدسازی‌های غیر کارشناسانه و مخرب سپاه پاسداران علت آن است– تاکنون نهادهای مختلف جمهوری اسلامی عملی در راستای جلوگیری از نابودی دریاچه ارومیه هیچ اقدامی نکرده‌اند و گامی در این جهت برنداشته‌اند. انواع طرح‌های پرطمطراق از سوی دولت و دیگر دستگاه‌های ذی‌ربط ارایه گردیده است که همگی فقط و فقط جنبه تبلیغاتی و فریب‌کارانه داشته اند. اخیراً با آغاز فعالیت دولت جدید اعلام‌شد که کار گروهِ ویژه‌ای برای نجات دریاچه ارومیه تشکیل شده است. خبرگزاری مهر:

MEHR

۲۸ مردادماه، نیز گزارش داده بود که، حسن روحانی مقابله با خشک‌شدن دریاچه ارومیه را در اولویت‌های خود قرار داده است. خبرگزاری مهر از قول روحانی نوشته بود: "من در سفرهای استانی‌ام به مردم ارومیه قول دادم که اگر رییس جمهور شدم در اولین جلسه هیات دولت مساله دریاچه ارومیه را پیگیری کنم و درجلسه دیروز (جلسه هیات وزیران) وزیر نیرو موظف شد یک کار گروهی را برای رسیدگی به این مساله تشکیل دهد و ظرف دو الی سه ماه گزارشی از روند کار به هیات دولت ارایه کند." به فاصله اندک زمانی پس از آن، رسانه‌های همگانی گزارش دادند که، سیاست‌های محیط زیستی دولت یازدهم تدوین و در هفته‌های آینده به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. روزنامه اعتماد، ۳۱ مردادماه، به دو سیاست اصلی و فوری محیط زیستی دولت حسن روحانی اشاره کرد: خصوصی سازیِ منطقه‌های زیست محیطی به ویژه "جزیرهٔ آشوراده"، و برنامه‌ریزی برای نجات دریاچه ارومیه[!]. اعتماد خاطرنشان ساخت: "دولت جدید بر سرکار آمده است، دولت یازدهم، دولت تدبیر و امید، دولت اعتدال، هر اسمی که داشته باشد، مهم این است که حوزه محیط زیست هنوز متولی ندارد. سازمان محیط زیست که رییسش معاون رییس جمهور محسوب می‌شود، هنوز بی‌سکاندار به‌حال خود رها شده است. ... در غیاب او [رییس محیط زیست] اولین موضوع محیط زیستی در هیات دولت بررسی شد... خبر آمده است جزیره آشوراده به بخش خصوصی واگذار می‌شود [دولت روحانی ازاین طرح حمایت می‌کند]، [یعنی] جزیره‌ای که قراراست دریک طرح ۳۰ ساله یا ۹۹ ساله به بخش خصوصی منتقل شود. ... مشاور عالی سازمان حفاظت از محیط زیست با تایید این خبر، شرکت طرف قرارداد با سازمان حفاظت محیط زیست را یک شرکت فرآورده‌های لبنی معرفی کرد... او گفت رسانه‌ها اجازه نمی‌دهند تا سازمان حفاظت محیط زیست تجربه موفق دیگر کشورها در همکاری بخش خصوصی را داشته باشد." لازم به‌یادآوری است که، جزیره آشوراده واقع در دریای مازندران از مهم‌ترین منطقه‌های محیط زیستی ایران و منطقه آسیای میانه و قفقاز به شمار می‌رود و محل زندگی و پناهگاه حیات وحش نظیر آهو، گوزن و انواع پرندگان کمیاب است. دولت روحانی درحالی از طرح واگذاری جزیره آشوراده حمایت می‌کند که تمامی کارشناسان و مدافعان محیط زیست ایران با آن به‌صورت قاطع مخالفت کرده‌اند. حال پرسش این‌است که، آیا با چنین راهکارها و برنامه‌هایی قرار است پی نجات دریاچه ارومیه برخاست؟ آسان ترین، علمی‌ترین، و به‌صرفه‌ترین راه نجات دریاچه ارومیه، پذیرش نظر کارشناسان ارشد محیط زیست ایران ازجمله دکتر اسماعیل کهرم است که شکستن سدهای غیراستاندارد برای ورود آب کافی به دریاچه و نیز برچیدن و تخریبِ راهِ میان‌گذر از وسط دریاچه را خواستارند. تخریب سدها به روش‌های علمی درچند کشور جهان ازجمله آمریکا با موفقیت انجام شده است، و این طرح از

ادامه رویدادهای ایران ...

حمایت محفل‌های علمی و دانشگاهی ایران و منطقه هم برخوردار است. باید توجه کرد که سدهای غیراستاندارد احداث‌شده به‌وسیله سپاه پاسداران اغلب خاکی و غیربتونی‌اند. قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پاسداران، وزارت نیرو در دولت احمدی نژاد، و بنیاد مستضعفان، از مخالفان طرح شکستن و برچیدن سدها بودند.

کوتاه‌سخن: خصوصی سازی منطقه‌های زیست محیطی تنها یک نتیجه دربرخواهد داشت، و آن، نابودیِ محیط زیست کشور است. ازاین‌روی، این سیاست، به‌ویژه سیاستِ واگذاری جزیره آشوراده به بخش خصوصی، با مخالفت همه نیروهای مترقی و مدافعان محیط زیست روبه‌رو است!

تحریم‌ها، و سودِ بادآورده سرمایه بزرگِ تجاری

همزمان با پایانِ کار دولت ضدملی احمدی‌نژاد و آغاز کارِ دولت یازدهم، رسانه‌های همگانی از افزایش چشمگیر واردات کالاهای لوکس به‌کشور خبرهایی را منتشر ساختند.

روزنامه آرمان روابط عمومی، ۱۳ مردادماه، در گزارشی خاطرنشان ساخت: "رییس کل بانک مرکزی با اعلام اینکه عده‌ای این روزها با شلوغ‌کاری می‌خواستند ۷۵ کشتی خودرو و کالای لوکس را به اسم دارو و کالای اساسی واردکنند... [گفت] اینها یک مقدار شلوغ می‌کنند و قصد دارند کالاهای غیراساسی راهم لابه لای دارو و کالاهای اساسی با نرخ ۱۲۲۶ تومان ترخیص کنند و بعد در بازار آزاد با نرخ ۳۰۰۰ تا ۳۱۷۰ تومان بفروشند."

این موضع‌گیری زمانی انتشار می‌یابد که، برخلاف ادعاهای طرح‌شده درخصوص مقابله بانک مرکزیِ جمهوری اسلامی و گمرک با قاچاق کالا و واردات بی‌رویه، تمامی آمار و ارقام از ورودِ سیل‌آسای کالاهای خارجی لوکس، بنجل، و غیراساسی- به‌خصوص از ترکیه، کره‌جنوبی، چین، و اتحادیه اروپا- به بازارهای داخلی خبر می دهد. درحالی‌که با اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی، زیرِ نام هدفمندی یارانه‌ها، صنایع و کشاورزی کشور در تنگناهایی جدی قرارگرفته‌اند و به تسهیلات مالی- به‌ویژه ارز- برای ادامه فعالیت خود نیازمندند، تاجران عمده، دلال‌های وابسته به حکومت، و شرکت‌های ریزودرشت متعلق به سپاه پاسداران و بنیادهای انگلی، بدون کم‌ترین مانعی، و با برخورداری از تسهیلات مالی هنگفت و حمایت‌های حکومتی، به واردات به شکل‌های گوناگون- ازجمله به‌صورت قاچاق- مشغولند. دراین زمینه، سخنان رییس سازمان توسعه تجارت، در پاسخ به موضع‌گیری‌های رییس کل پیشین بانک مرکزی جمهوری اسلامی، علاوه بر اینکه تامل‌برانگیز است، درواقع اعترافی نیز به واقعیت قاچاق گسترده کالاهای لوکس به داخل کشور از سوی محفل‌های بانفوذ حکومتی است. رییس سازمان توسعه تجارت درباره ۷۵ کشتی حامل واردات خودرو و کالای لوکس زیر نام دارو، اعلام داشته است که، هیچ گروه کالایی خارجی از اولویت ۱۰ نیاز به تقسیم‌بندی و ثبت سفارش نیست. این سخنان به‌معنای تایید ورود کالاهای لوکس به‌نام دارو و دیگر قلم‌های اساسی است. واردات کالاهای لوکس و بنجل به این شکل و به این میزان، به‌ویژه پس از شدت پیدا کردن تحریم های امپریالیستی، رشد چشمگیری داشته است. به‌عبارت دقیق‌تر، تحریم‌ها منجر به‌آن شده است که، لایه‌های انگلی و غیرمولد سرمایه داری ایران بیش از پیش به‌سمت واردات کالاهای لوکس بروند و ازاین راه به‌ثروت اندوزی و سودجویی بپردازند. مطابق آمار منتشر شده از سوی معاون کل سازمان توسعه تجارت جمهوری اسلامی، کلِ ارزشِ تجارت خارجی برای امسال حدود ۷۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود که کاهشی شدید را نشان می‌دهد. باوجود این، واردات کالاهای لوکس افزایش داشته است و همچنان روندی صعودی می‌پیماید. این بدان معناست که، شبکه توزیع داخلی که در چنگ سرمایه بزرگ تجاری است، بیش از پیش به فروش کالاهای خارجی وابسته شده است، و بازرگانی داخلی و خارجی کشور، به‌دلیل سیاست‌های ضدملی رژیم ولایت‌فقیه، در دایره واردات و فروش کالاهای خارجی- به خصوص کالاهای اروپایی و آمریکایی- فعالیت می کند، یعنی کالاهایی که به‌طورِغیرمستقیم از راه ترکیه، دوبی، قطر، کویت، و پاکستان به بازار داخلی وارد می‌شوند و آن را تسخیر می کنند و ورشکستگی تولیدکنندگان و صنعتگران داخلی را موجب می‌شوند. با تسلطِ سرمایه بزرگ تجاری و رشدِ مصرف‌گراییِ کاذب، بازار داخلی ایران زیرِ سلطه کشورهای امپریالیستی و شرکت‌های فراملی رفته است و همچنان می رود. آن‌چنان‌که پیداست، به‌نظر می‌رسد دولت جدید- دولت حسن روحانی- همین سیاست را درعرصه بازرگانی خارجی و مصرف، اما به‌شکلی دیگر، ادامه خواهد داد. اعضای هیئت وزیران و سرفصل‌های سیاست‌های اقتصادی اعلام شده از سوی این دولت، این نظر و واقعیت را تأیید می‌کند.

افزایشِ نرخ بیکاری، رشدِ تورم، و اجرایِ فاز دوم "هدفمندی یارانه‌ها"

دولت حسن روحانی از نخستین روزهای فعالیت، مهم‌ترین آماج خود راحل مسئله‌های اقتصادی، مقابله با اثرهای تحریم، و کوشش برای بهبود زندگی و معیشت مردم عنوان کرده است. راهکارهایِ تاکنون ارایه‌شده، و نیز ترکیب هیئت وزیران- به‌خصوص وزارتخانه‌های اقتصاد، بازرگانی، نفت، و نیرو- نشان می‌دهد که، برخلاف تبلیغات رایج، سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی دولت جدایِ از راهبرد کلی رژیم در زمینه اقتصادی نیست و نمی‌تواند باشد. بنابراین، موضوع حل معضل‌های معیشتی مردم، با توجه به برنامه‌های اقتصادی، در هاله‌یی از ابهام است، زیرا تجربه سالیان اخیر ثابت می کند که، اجرای سیاست‌های اقتصادی‌ای مانند قانون هدفمندی یارانه‌ها- یا همان آزادسازیِ اقتصادی- و خصوصی‌سازی، نه‌تنها به بهبود زندگی و افزایش قدرت خرید مردم منجر نگردیده است، بلکه سبب بیکاری، افزایش تورم، و در نتیجه، فقر و فلاکت در بُعدهایی دهشتناک بوده است. آیا دولت جدید صرفاً با تغییر برخی روش‌ها و شیوه‌ها می‌تواند وضع فاجعه‌بار اقتصادی را تغییر دهد؟ پاسخ به این پرسش منفی است. زیرا رئوس کلی سیاست‌های ضدمردمیِ رژیم ولایت‌فقیه، جزوِ مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادیِ دولت‌اند. روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۸ مردادماه، گزارش‌داد: "دولت یازدهم درحالی کار خود را آغاز کرده است که بیشترین اقبال را در کسب رای اعتماد نمایندگان به وزرای اقتصادی خود تجربه کرد، چه اینکه برنامه اقتصادی روحانی پیش و پس از انتخابات ریاست جمهوری همواره به عنوان یکی از اولویت‌های مهم دولت مطرح بوده است. ... قانون بودجه سال ۹۲ براساس درآمدهای ۲۱۰ هزار میلیارد تومانی تنظیم شده است و طبق گزارش ۴ ماهه این گونه محرز شده که درآمدهای ۲۱۰ هزار میلیارد تومانی در این برنامه تحقق نخواهد یافت." این گزارش درادامه می‌افزاید: "معاون رییس جمهور از ادامه اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها گفت و تاکید کرد، اجرای هدفمندی یارانه‌ها یک طرح نیست، بلکه یک قانون است که ازسوی دولت با جدیت پیگیری و اجرا خواهد شد."

همچنین طیب‌نیا، وزیر اقتصاد دولت یازدهم، اعلام کرد: "در رابطه با چگونگی اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها بعد از اینکه توانستیم در بازار آرامشی ایجاد کنیم به‌صورت منطقی تصمیم [به اجرای آن] خواهیم گرفت. ... دولت سعی می‌کند در مسیر مقابله با تورم به شکل جدی عمل کند اما باید به این نکته توجه داشت که تورم پدیده‌ای نیست که در کوتاه‌مدت قابل درمان باشد... اینکه تورم را بتوان در یک دوره کوتاه مدت درمان کرد به‌نظر نمی رسد که عملی شود." وزیر اقتصاد سپس محورهای اصلی برنامه اقتصادی دولت را برشمرد: "باید با توسعهٔ خصوصی‌سازی، ارتقای رقابت‌پذیری فعالیت های اقتصادی، کاهش انحصار، بهبود محیط کسب و کار، تاکید بر اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در واگذاری بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی، توسعه نهادهای حقوقی، مالی و قانونی [بخوان: بانک‌ها و بیمه های خصوصی] و سیستم نظارت و تحکیم مالکیت فردی بتوان اقتصاد کشور را ساماندهی کرد." درحالی در زمینه‌های اقتصادی چنین موضع‌گیری‌هایی می‌شود که اثرها و نتیجه‌های ویرانگرِ اجرای برنامه‌هایی چون آزادسازی اقتصادی (هدفمندی یارانه‌ها)، خصوصی‌سازی، و مقررات‌زدایی، در برابر چشمان ما خودنمایی می‌کنند و توده‌های محروم جامعه آن‌ها را با پوست و گوشت خود لمس می‌کنند. خبرگزاری مهر، ۲۹ مردادماه، گزارش‌داد: "نرخ تورم تیرماه ۵ / ۳۷ درصد اعلام شد. تورم نقطه به نقطه ۴۴ درصد است." تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی از افزایش قیمت ۴۱ قلم کالا حکایت می‌کند: در طول یک سال اخیر، قیمت گوشت قرمز ۷ /۴۲ درصد، گوشت مرغ ۷ /۱۵ درصد، چای ۳ / ۱۰۱ درصد، برنج ۴ /۶۹ و میوه‌های تازه ۲ /۶۳ درصد افزایش یافته است. درهمان حال سطح دستمزد کارگران، کارمندان، آموزگاران، پرستاران، و تمامی مزدبگیران، یا ثابت مانده و یا درحال سقوط مداوم است. بنابر گزارش های منتشر شده، ۲۸۱ شهر کشور دارای نرخ بیکاری‌ای بالای ۱۰ درصدند. این آمار رسمی نشانگرِ اثرها و نتیجه‌های حاصل از اجرای برنامه‌هایی است که وزیر اقتصاد دولت جدید باردیگر اجرایِ‌شان را- با تغییرهایی اندک در روش و شیوه‌ها- به مردم میهن ما وعده می‌دهد!

ادامه دست امپریالیسم از سوریه ...

خاورمیانه در آستانهٔ چرخشی تند به سمتِ وخیم‌تر شدن اوضاع و احتمال روی دادنِ جنگی جدید، و تجاوزِ کشورهای امپریالیستی به سوریه قرار گرفته است. رئیس جمهوری ایالات متحده، باراک اوباما، در جریان نشستِ سران کشورهای "گروه ۲۰" در سن پترزبورگِ روسیه، قصدِ ایالات متحده برای حمله نظامی به سوریه و تغییرِ رژیمِ قانونی این کشور را به‌صراحت اعلام کرد. این موضع‌گیریِ نه‌فقط در اجلاس "گروه ۲۰" پذیرفته نشد، بلکه با موج مخالفتِ افکارعمومی در ایالات متحده و اروپا نیز روبه‌رو گردیده است. در حال حاضر، دولت ایالات متحده مصمم است تا هرطورکه شده، به‌منظورِ انجام حمله یی نظامی به سوریه حمایت کنگرهٔ آمریکا را به‌دست آورد. نیروهای ترقی‌خواه و صلح‌دوست جهان، در طول روزهای گذشته، کوشید ه اند افکارعمومی مردم را در جهان، و به‌ویژه در ایالات متحده و اروپا، برضد جنگ تجاوزکارانه تازه‌ای از سوی امپریالیسم در منطقه خاورمیانه بسیج کنند. شورای جهانی صلح، هفته گذشته، با انتشار بیانیه‌یی شدیدالحن، تلاشِ محفل‌های جنگ طلب در آمریکای شمالی، اروپا، و خاورمیانه در مسیر ماجراجویی نظامی‌ای جدید که می‌تواند سراسر منطقه را به آتش بکشد و ویران کند، محکوم کرد.

دامنه‌های فاجعه‌آمیزِ جنگ داخلیِ تحمیل‌شده به مردم سوریه در طول دو سال ونیم گذشته و در هفته های اخیر، گستردگی بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. در شرایطی که- بر اساس گزارش های گوناگونِ تحلیل‌گران مطلع- نیروهای دولتی موفق شده بودند گروه‌های مسلح سلفی و جهادیِ مرتبط به القاعده را، که از سوی مرتجعانِ حاکم در عربستان سعودی و قطر حمایتِ مالی و نظامی می‌شوند، از برخی شهرها و روستاها بیرون برانند و تناسب قوا را به نفع ارتش سوریه تغییر دهند، انتشار خبرِ استفاده از سلاح‌های شیمیایی که بر اثر آن بیش از ۱۴۰۰ نفر و از جمله عدهٔ زیادی زن و کودک کشته شدند، زمینه مداخله خارجی در این کشور را فراهم آورده است. درحال‌حاضر، و بر پایهٔ موضع‌گیری‌های اعلام‌شده از سوی دولت آمریکا و برخی از متحدانِ مرتجع‌اش در اروپا و خاورمیانه- به‌ویژه دولت‌های جنگ طلب در انگلستان، فرانسه، ترکیه، قطر، و عربستان سعودی- خطرِ حملهٔ نظامی به سوریه بسیار جدی است. درحالی‌که افکارعمومی در جهان و از جمله در ایالات متحده و اتحادیهٔ اروپا با مداخلهٔ نظامی در سوریه به‌شدت مخالفند، دولت‌های ایالات متحده و فرانسه، به طورِرسمی، اعلام کرده‌اند که، به‌منظور تغییر موازنهٔ نیروها در درگیری‌های خونین سوریه که تاکنون بیش از صدهزار کشته به‌جا گذاشته است، میلیون‌ها تن از مردم عادی از محل زندگی‌شان مجبور به مهاجرت شده اند، چندین شهر عمدهٔ کشور ویران گشته‌اند، و اقتصاد کشور به شدت صدمه دیده است، همچنان مصمم‌اند تا برضدِ ارتش و نیروهای نظامی سوریه وارد عمل بشوند.

دولت سوریه این اتهام را که نیروهایش در این جنایت بی سابقه دست داشته‌اند با قوت و شدت رد کرده است، و با درخواست سازمان ملل برای اعزام هیئتی متخصص به‌منظور بررسیِ میدانی در بارهٔ کاربردِ سلاح‌های شیمیایی و مشخص کردن به‌کاربرانِ این سلاح ها، موافقت کرد. تحقیقات و نمونه‌برداری‌های هیئت ویژه سازمان ملل متحد روز شنبه ۹ شهریورماه [۳۱ آگوست] به پایان رسید، و درحال‌حاضر کارِ آزمایشگاهی روی نمونه‌ها، و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری‌شده، در خارج از سوریه، درجریان است. نتیجهٔ این تحقیق‌ها هنوز اعلام نشده است. از سویی دیگر، خبرها و گزارش‌های پرشماری در این باره که گویا نیروهای مسلح اسلامگرای سلفی و مرتبط با القاعده مسئولیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در منطقهٔ غوطه در حاشیهٔ دمشق را بر دوش دارند، منتشر شده است.

آن چه مشخص است این است که، دولت ایالات متحده به وارد شدن در جنگ و تغییرِ رژیم سوریه ، یعنی اقدامی که در تضاد آشکار با قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل قرار دارد، مصمم است.

جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، در کوشش برای جلب رضایت کشورهای اروپایی برای شرکت در جنگ با سوریه- یعنی جنگی که نظرسنجی‌ها در سراسر جهان نشان می‌دهند اکثر مردم جهان با آن

مخالفند- در روزهای اخیر از پایتختی به پایتخت دیگر در اروپا سفر می‌کند. دو سوم از آمریکایی‌ها به جنگ "نه" گفته‌اند و می‌گویند. نمایندگان مجلس سنایِ آمریکا با حمله نظامی دولت آمریکا به سوریه بدونِ رأیِ مثبتِ شورای امنیت سازمان ملل مخالفند. نزدیک به ۷۵ درصد مردم در بریتانیا نیز با حمله نظامی به سوریه مخالفند، و همین مخالفت مردم است که باعث شد پارلمان انگلستان- در حرکتی بی‌سابقه- به شرکتِ نیروهای نظامی انگلستان و دولتِ این کشور در جنگ برضد سوریه رأی مخالف دهد.

تلاش رئیس جمهوری آمریکا، باراک اوباما، در نشستِ اخیر کشورهای "گروه ۲۰ "در هفته گذشته برای بسیج نیرو برای حمایت از طرح حمله نظامی به سوریه تنها از طرف دولت فرانسه- که آمادگی شرکت عملی‌اش را در جنگ اعلام کرده است- با پاسخ مثبت روبه‌رو شد. آخرین نظرسنجی‌های افکارعمومی در فرانسه نیز نشان می‌دهند که اکثر مردم فرانسه با حمایت فرانسوا اولاند از طرح اوباما برای حمله به سوریه مخالفند و آن را اقدامی می‌دانند که می‌تواند کل منطقه را به آتش بکشد.

ماجراجویی نظامی‌ای که باراک اوباما درحال برنامه‌ریزی آن است، از نظر قوانین بین‌المللی بدون حمایت شورای امنیت سازمان ملل متحد از آن، غیرقانونی است. همان گونه که در بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۳ شهریورماه، آمده است، چنین اقدام غیرمسئولانه و جنایتکارانه‌یی نه تنها جنگ داخلی در سوریه را که باعث درد و رنجی چنین عظیم برای مردم سوریه شده است تخفیف نخواهد داد، بلکه همان‌طور که در افغانستان، عراق، و لیبی شاهد آن بودیم، به زجر و بدبختی مردم این کشورها و شعله‌ورتر شدن آتش جنگ در کشورهای منطقه خواهد انجامید. آنچه در سوریه به آن نیاز است، ویرانی و مرگ بیشتر و گسترده تر با پرتاب موشک‌های کروز و بمباران‌های نابودکننده نیست. حزب توده ایران هر گونه مداخلهٔ نظامی در درگیری‌های سوریه را با قوت‌وشدت محکوم می‌کند، و آن را برضدِ آینده صلح، و دموکراسی در این کشور و خاورمیانه می‌داند. ما چنین ماجراجویی غیرمسئولانه‌یی را در مسیر پیشبردِ سیاست‌های امپریالیسم آمریکا، در مقام حامی استراتژیک منافع انحصارهای نفتی و تسلیحاتی جهانی، به‌هدفِ پیاده کردن طرح خاورمیانه جدید می دانیم، طرحی که در آن، آقایی سیاسی- اقتصادی و استراتژیکِ ایالات متحده تامین خواهد شد. حملهٔ نظامی ایالات متحده به سوریه، زیر هر پوشش و بهانه یی، منطقه خاورمیانه را در دوزخی از آتش و خون فروخواهد برد، و احتمالِ جدیِ درگیری نظامی‌ای بین‌المللی را در ارتباط با کنترل استراتژیک منطقه ممکن خواهد کرد. حزب توده ایران به‌شدت نگران آن است که، چنین ماجراجویی‌ای از سوی ایالات متحده و مرتجعان منطقه، بتواند با کشیدن پای ایران به درگیری‌ها، درعمل، صلح و امنیت ایران را تهدید کند و مردم کشورمان را ناخواسته با پیامدهای مخاطره انگیز و هلاکت‌بارِ تحول‌های سوریه درگیر سازد.

حزب تودهٔ ایران، چنان‌که پیش از این هم اعلام کرده است، تنها و تنها، قطعِ کامل و بی‌درنگِ مسلح کردنِ دو طرف درگیری‌ها از سوی کشورها و نیروهای خارجی و خاتمه دادن به آن، و حل‌وفصل مسئله‌های موجود و پدیدآورندهٔ بحران با گفت‌وگو، راه حلِ این بحران است.

حزب توده ایران، هر گونه مداخلهٔ نظامی خارجی و مسلح کردنِ طرف های درگیری را محکوم می‌کند، و آن را مغایر با آیندهٔ صلح‌آمیز، برقراریِ دموکراسی، و رعایتِ حقوق بشر در کشور سوریه و کشورهای خاورمیانه می داند، و از راه حل‌های صلح طلبانهٔ مبتنی بر دیپلوماسی واقعی و شفاف، و همچنین گفت‌وگوهای مشترک در چارچوب منشور سازمان ملل حمایت می‌کند.

راهبرد اقتصادی رژیم ولایت‌فقیه، و سیاست وزیر جدید کار

علی ربیعی ، با رای اعتماد مجلس به او، در مقام وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی کار خود را در دولت یازدهم آغازکرد. پیش از آن، او خطوط کلی سیاست‌های وزارت کار در دولت حسن روحانی را منتشر کرده بود، که بلافاصله مورد تأیید و تعریف و تمجید مسئولان تشکیلات زردِ کارگری قرار گرفت. بندهای مختلف "مشروح برنامه‌های ربیعی در حوزه رفاه اجتماعی"، که اکثر جمله‌های آن با لغت‌هایی مثل: "عدم"، "فقدان"، "کمبود"، "اصلاح"، و "تقویت" آغاز می‌شوند، در حین نشان دادن وضعیتِ ویرانِ اقتصاد کشور و مشکلات کمرشکنِ کارگران و زحمتکشانِ ایران، گویایِ میراثِ رقت‌بار حاکمیت ولایت فقیه در سی‌وچهار سال گذشته است. در این برنامه‌ها ربیعی فهرستی طولانی را، بدون اشاره به جزئیات چگونگیِ انجام آن‌ها در آینده، ارائه می‌دهد: از جمله سرفصل هایی همانندِ "ساماندهی قراردادهای موقت کار"، "کاهش مداخله دولت در روابط کار" و "توسعه نظام استاد – شاگردی"، که همگی معضل‌های برآمده از حاصل اجرای برنامه‌های اقتصادی– اجتماعی رژیم ولایت‌فقیه به‌شمار می‌آیند.

آقای علی ربیعی در نشست خبری خود در خبرگزاری تسنیم، ۱۹ مردادماه، نیت‌های باطنی و طرز تفکر خود در ارتباط با برنامه‌های اقتصادی مورد نظرِ دولت جدید را اعلام کرد. ربیعی در جواب سوالی درباره قانون کار، جوابی "روشن و واضح" داد، و گفت: "قانون کار بسیار پیچیده است. من به کارآفرینی اعتقاد دارم." عبارت "کارآفرینی"، عبارتی مرسوم در سال‌های اول اجرای برنامه‌های "تعدیل اقتصادی"، در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی بود. ولی در جواب به سئوالی در رابطه با بیکاری، جواب داد: "جزو برنامه‌های صد روزه خودم حل مشکلات برخی صنایع برای حفظ سطح اشتغال موجود است... آمار دروغ بزرگ است... هرکس یک ساعت در هفته کار کند، شاغل محسوب می‌شود." به عبارتی دیگر بر این نظر است که، فعلاً در فاز "حفظ سطح اشتغال موجود" هستیم و به‌فکر "کارآفرینی" نخواهیم بود. در مورد "توسعه نظام استاد- شاگردی" پیشنهادیِ آقای وزیر کار، خبرگزاری مهر، ۱۳مردادماه، گزارشی از "جزئیات شکایت جدید کارگران به دیوان عدالت[اداری]" و "۱۰ دلیل برای ابطال طرح استاد- شاگردی" داد، که در آن کارگران می‌نویسند: "استاد- شاگردی به عنوان شبهه بازتولیدِ نظام منسوخ و غیرشرعی "ارباب و رعیتی" در ادوار سیاه و منحط تاریخ گذشته ایران را فراهم می‌کند."

دیدگاه‌های اقتصادی رئیس جمهوری، نظرهایی که در دو ماه اخیر ارائه داده است، ترکیبِ تیم اقتصادی منتخب ایشان، و دیدگاه‌های اقتصادی وزیر کار، همان سیاست اقتصادیِ شناخته‌شده رژیم مانند آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، و مقررات زدایی است، و در چهارچوب این‌برنامه‌ها نیز اصلاحِ قانون‌های "کار" و قانون "تامین اجتماعی" هم گنجانده شده‌اند. ، روزنامه‌ی دنیای اقتصاد، ۱۰ مردادماه، در گزارشی با عنوان: "گمانه‌زنی از مفهوم اعتدال در اقتصاد"، نوشت: " ...کارشناسان را به این باور رسانده است که روحانی یک روحانی بوروکرات است... آیا روحانی هاشمی کوچک است؟... دانستن رویکرد هاشمی در مسائل برای دانستن رویکرد روحانی نه تنها لازم، بلکه شاید کافی باشد... تقریباً از ابتدای دولت هاشمی به تدریج نفوذ تفکر اقتصاد آزاد در دولت شکل گرفت... دو دولت هاشمی آغاز نگرشی نوین به اقتصاد در ایران بودند، هر چند شعارهایی مبنی بر توانمندسازی بخش خصوصی و تمایل به بازار از سال ۶۸ آغاز شده بود... به عنوان مثال بسته تعدیل اقتصادی در زمان وزارت نوربخش... به هیات دولت رفت."

باید دید سیاست‌هایی که به‌گفته آقای رئیس جمهوری باعث "شکافِ دستمزدی در سه‌دهه‌ی گذشته" شده‌اند، پیامدهای دیگری نیز "در زندگی روزمره مردم" داشته‌اند؟ برای تشریح اثرهای ویران کننده سیاست های اقتصادی در خلال سه‌دهه قبل زیر نام‌های مختلف "تعدیل اقتصادی، تعدیل ساختاری، آزادسازی اقتصاد، شوک درمانی، و اصلاح ساختار اقتصادی" به اجرا گذاشته شده‌اند، به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

آقای علی غیاثی، در گفت‌وگویی با ایلنا، ۱۵ مردادماه، به سبب "افزایش مشکلات مالی، سوء مدیریت و تغییر ساختار"، وضعیت مجموعه صنعتی شیشدار را بحرانی توصیف می‌کند، و می‌افزاید: "هم اکنون تعداد بسیار زیادی از واحدهای تولیدی و صنعتی مستقر در شهرک صنعتی شیشدار همانند شرکت فجر ایلام، گویا نخ، زرین بافت، کارتن سازی، دنیا نخ، آرام نخ، صابون سازی کویر، فراز شیمی، گونی بافی، نخ ایلام، فراورده های گوشتی سالم، حوله قائم، کیک مهنا، معراج نخ، ترشی‌جات ساجی‌فر، شرکت شیمیایی رفاه، پروفیل پارس غرب و ده‌ها واحد تولیدی و صنعتی دیگر تعطیل و یا نیمه تعطیل شده و کارگران آنان بیکار شده‌اند... هم اکنون بیش از ۴۰ درصد واحدهای صنعتی استان تعطیل و یا نیمه تعطیل شده‌اند... نرخ بیکاری استان ایلام بیش از ۲۵ درصد است." ا

ایلنا، ۱۶ مردادماه، از "تاخیر چهار ماهه حقوق ۳۰۰ کارگر شاغل در کارخانه ذوب آهن آلیاژی ملایر" خبر داد، و اضافه کرد: "حدود ۵۰ کارگر موقت این کارخانه [که] با وجود ماهیت استمراری شغل‌شان، در خرداد ماه... تعدیل شدند... علاوه بر چهار ماه حقوق، عیدی، پاداش و سنوات یک سال گذشته [۱۳۹۱] کارگران نیز پرداخت نشده است." ایلنا، ۱۵ مردادماه، گزارش داد: "۳۱۰ کارگر شاغل در کارخانه ماشین آلات تراکتور سازی تبریز از اردیبهشت ماه سال جاری حقوق دریافت نکرده‌اند." و چند نمونه دیگر: "حقوق نزدیک به صد خبرنگار روزنامه خورشید ۳ ماه است که پرداخت نشده است... نزدیک به ۱۰۰ کارمند موسسه آتیه نیز ۳ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده‌اند"؛ "۱۳۰ کارگر شرکت پیمانکاری "کیاوش جنوب" در اهواز که تحت نظارت آبفای این شهر فعالیت دارند از فروردین ماه سال جاری حقوقی دریافت نکرده‌اند... کارفرمای این شرکت... در سالهای گذشته هر ماه حقوق کارگران را با تاخیر ۲۰ تا ۵۰ روزه به حسابشان واریز می‌کرد" (ایلنا،۱۵ مردادماه)؛ "۲۰ نفر از نیروهای خدماتی مرد و زن بیمارستان امام خمینی زابل که با وجود ماهیت استمراری شغل‌شان به صورت موقت استخدام شده‌اند... در ۱۶ ماه گذشت... حقوقی دریافت نکرده‌اند... در طول این سال‌ها [۵ سال]، بیمه کارگران نیز واریز نشده است... حقوق این کارگران [۱۸۰ هزار تومان در ماه]... هر ماهه با ۲۱۰ ساعت کار، ۱۸۰ ساعت پرداخت می‌شده است" (ایلنا، ۱۶ مردادماه).

آقای ربیعی که سابقه خدمت در وزارت اطلاعات (خبرگزاری تسنیم، ۱۹ مردادماه) در دهه ۶۰ را دارد، و در زمان تصدی پست دبیریِ شورای عالی امنیت ملی از سوی آقای روحانی، مسئول اجرایی دبیرخانه و ریاست کمیته سیاستگذاری تبلیغات و کمیته امنیت داخلی شورای‌عالی امنیت ملی را به‌عهده داشت، "در سال‌های اول انقلاب عضو شاخه کارگری حزب جمهوری اسلامی و عضو کمیسیون تدوین قانون کار در دهه شصت بود" (ایسنا، ۱۳ مردادماه). آقای ربیعی در تشریح برنامه‌های خود در حوزه رفاه اجتماعی، درباره: "تقویتِ منابع صندوق‌های بیمه‌ای و کاهش وابستگی آنها به منابع عمومی دولت"، "اصلاحِ مقررات بیمه ای در مورد "کارگران واحدهای کوچک صنفی" متناسب با مقتضیات شغلی و درآمدی آنان"، "تسهیل در مقررات تأمین اجتماعی در جهت کاهش فشارهای بوروکراتیک بر کارفرمایان و بنگاه‌های تولیدی"(ایلنا، ۱۶ مردادماه)، اشاره‌هایی کلی می‌کند؛ و در ارتباط با برنامه "هدفمند سازی یارانه ها"، می گوید: "برنامه‌ریزی برای جذب منابع حاصل از هدفمند سازی یارانه‌ها در نظام حمایتی... حضور فعال و موثر وزارتخانه و توابع آن در تداوم مرحله اول و پیاده سازی مرحله دوم آن... بجای پرداخت غیرهدفمند یارانه نقدی." آقای ربیعی، در نشستی خبری در خبرگزاری تسنیم،۱۹ مردادماه، در رابطه با "قانون هدفمند سازی یارانه‌ها"، گفت: "در مورد شکل پرداخت یارانه‌ها نظر شخصی‌ام این است که تغییری بکند... فاز بعدی هدفمندی باید ۴ماه پیش انجام می‌شد ولی به‌خاطر تحمیل نشدن گرانی، تصمیم گرفتند اجرا نشود." وزیر کار جدید از "تداوم مرحله اول و پیاده سازی مرحله دوم آن هدفمندسازی یارانه‌ها... بجای پرداخت غیرهدفمند یارانه نقدی" صحبت می‌کند.

خبرنگار خبرگزاری مهر، ۱۵ مردادماه، به‌نقل از جزئیات برنامه ربیعی برای وزارت تعاون، کار و رفاه، می‌نویسد: "بر اساس تنها مطالعات انجام شده در سال ۱۳۷۵ سهم ارزش افزوده تعاونی‌ها تحت پوشش وزارت تعاون در اقتصاد حدود ۸/ ۲ درصد بوده است. به لحاظ عدم آمارگیری بعدی سهم این بخش در اقتصاد دقیقاً مشخص نیست لیکن... می‌توان برآورد نمود که سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور حدود ۵ درصد است... خوش‌بین‌ترین

ادامه در صفحه ۸

ادامه راهبرد اقتصادی رژیم ...

افراد دستیابی به هدف رشد و توسعه بخش تعاونی و افزایش سهم آن در اقتصاد به میزان ۲۵ درصد را تا پایان برنامه پنجم امکان پذیر نمی دانند و حتی معتقدند برپایه واقعیات میدانی و با استمرار روند فعلی، امکان کاهش سهم تعاونی در اقتصاد نیز وجود دارد." آقای ربیعی مثلاً علتِ "رکود و توقف تعداد زیادی از تعاونی‌های تولیدی کوچک و متوسط را... افزایش قیمت تمام شده محصولات، ناشی از بالا رفتن هزینه‌های انرژی..." می داند، اما در مقابل، به "احکام برنامه پنجم توسعه در جهت اصلاح ساختار و توسعه نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی" اشاره‌های مکرر می‌کند. "برنامه پنجم توسعه در جهت اصلاح ساختار..."، براساس برنامه‌های اقتصادی دیکته شده از سوی "صندوق بین‌المللی پول" تنظیم گردیده است، و در دیدار مسئولان و کارگزاران رژیم با ولی فقیه، آقای احمدی نژاد با افتخار اعلام کرد: "صندوق بین‌المللی پول، روش ایرانی هدفمندی یارانه‌ها را بهترین روش معرفی و به دیگر کشورها اجرای آن را توصیه کرد" (خبرگزاری مهر، ۳۱ تیرماه). یکی از اشاره‌های روشن و صریح آقای ربیعی به منابع مالی، به‌منظور تغییر "روند فعلی"، "امکان سنجی بهره‌گیری از احکام اسلامی نظیر انفال، وقف، و... جهت تامین منابع لازم برای ارائه خدمات اجتماعی" است.

وزیرکار دولت حسن روحانی همچنین در مصاحبه با خبرگزاری تسنیم، ۱۹ مردادماه، گفت: " ...انجمن باید صنفی باشد حتماً، نباید انجمن صنفی تبدیل به حزب شود... حتماً در چارچوب‌هایی که حوزه‌های امنیت ملی و منافع ملی و رهبر معظم انقلاب ترسیم کردند حرکت کند... اگر دولت بخواهد سرمایه اجتماعی را افزایش دهد یکی از راه‌هایش تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد است. منتهی به باغبانی نیاز دارد و به مهندسی از نوع باغبانی نیاز دارد... من این تعبیر باغبانی را از مقام معظم رهبری به‌عاریه گرفتم که بسیار تعبیر قشنگی است." دراین زمینه انتشار نامه کارگران نانوا گویا است. انجمن صنفی کارگران خباز شهرستان‌های مریوان و سروآباد کردستان، با انتشار نامه‌یی خطاب به رئیس جمهوری، اشاره کرده‌اند که حاصل وعده "آوردن نفت به سفره مردم"، "بوی نفت گرفتن سفره تهی‌تر کارگران" بوده است؛ و با تاکید بر این‌که "ما نمایندگان انتصابی در شورای‌عالی کار را هیچ وقت صدای حق طلبی و عدالت خواهی کارگران نمی‌دانیم"، اضافه کرده‌اند: "ما کارگران، تشکل‌های مستقل کارگری را حق قانونی خود می‌دانیم و خواستار به رسمیت شناختن تشکلات مستقل کارگری از سوی دولت هستیم."

آقای ربیعی در بخشی از برنامه‌اش در ارتباط با تشکل های کارگری، می‌نویسد: "اعتماد و حسن ظن میان کارگر و کارفرما نه فقط روبه افزایش نیست بلکه هر روز اخباری از... کوشش برای خراب کردن تولیدات شنیده می‌شود... کارگر و کارفرما، بجای تقویت روابط، هر یک به نقد دیگر پرداخته و نه فقط اشکالات خود را نمی‌پذیرند بلکه با بزرگ‌نمایی اشکالات..."

خبرگزاری مهر، ۱۵مرداد). آقای ربیعی زندان و شکنجه‌ی فعالان کارگری، و سرکوب وحشیانه سندیکاهای مستقل کارگری را "بزرگ‌نمایی اشکالات" توصیف می‌کند. ما فکر نمی‌کنیم که ویرانی صنایع تولیدی و اخراج دسته‌جمعی کارگران، که در گزارش ۱۵ مردادماه ایلنا آمده است را بشود "بزرگ‌نمایی اشکالات" توصیف کرد.

در آبان ماه سال قبل، شیخ الاسلامی، وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی، تکمیلِ اصلاح "قانون کار" تا پایان سال اول برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی و ارسال آن به مجلس را خبر داد (دنیای اقتصاد، ۱۱ آبان ماه ۹۱). این اصلاحیه که محتوایی به‌شدت ضدکارگری داشت و بر اساس راهبرد اقتصادی ضد مردمی "آزاد سازی اقتصادی" تهیه شده بود، اعتراض های شدید کارگری را موجب گردید. در بیانیه کانون انجمن‌های صنفی کارگری استان آذربایجان شرقی خاطرنشان شده بود: "برخلاف وعده‌ها و شعارهای عدالت محوری، شاهد ارایه لایحه اصلاح قانون کار هستیم که بعضی از بندهای آن تهدید کننده امنیت شغلی و اجتماعی و عدالت و توسعه کشور هستند" (ایلنا، ۱۱ اردیبهشت‌ماه). سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در بیانیه خود نوشت: "ضمن اعتراض شدید و رد پیش نویس های مطروحه قانون کار و تامین اجتماعی خواستار تدوین قانون کار و تامین اجتماعی‌ای است که استانداردهای حقوق بنیادین کار مصوب سازمان جهانی کار نظیر حق تشکیل سندیکا، فدراسیون و کنفدراسیون‌ها و حق تجمع و اعتراض، اعتصاب و راه پیمایی و بهره‌مندی از دستمزدی برای داشتن زندگی شرافتمندانه در آن بدون چون و چرا و کم و کاست تضمین گردد" (ایلنا، ۱۸ بهمن‌ماه ۹۱). ایلنا، ۲۱ آذرماه ۹۱، در رابطه با اصلاحیه ارسالی دولت به مجلس، در گزارشی با عنوان: "وزیر کار ایران، جهان را به رعایت "کار شایسته" دعوت کرد"، نوشت: "تغییرات مورد نظر دولت در لایحه ارسالی به مجلس شامل تسهیل شرایط اخراج کارگران، رسمیت بخشیدن به انعقاد قراردادهای موقت برای مشاغل دائمی، تسهیل شرایط خاتمه قرارداد موقت پیش از اتمام، افزودن شرایط اقتصادی کشور به معیارهای تعیین دستمزد کارگران، افزودن چندین مقام دولتی به شورای عالی کار که در قانون فعلی ماهیتی سه جانبه دارد و از مهم‌ترین وظایف‌اش تعیین دستمزد سالانه کارگران است و... می‌شود." خبرگزاری مهر، ۲ خردادماه، گزارش داد: "پس از ۸ سال بحث و گفتگو درباره اصلاح قانون کار و ارسال لایحه‌ای از دولت به مجلس، به نظر می‌رسد این پرونده نیمه کاره نیز راهی جز پیگیری در دولت یازدهم را نخواهد داشت." آقای ربیعی در نشست خبری‌اش، در رابطه با قانون کار و موضوع اصلاح آن، گفت: " ...معتقدم که باید برای تک تک کارآفرینان احترام و ارزش قائل شویم... اگر چه در موضوع اصلاح قانون کار گفته می‌شود که یکی از موانع کسب و کار نبود حق اخراج کارگر است، اما در این رابطه هنوز یک مطالعه علمی صورت نگرفته است. از جانب دیگر در حال حاضر با تبصره‌هایی که به قانون کار اضافه شده است، اخراج کارگر کار چندان سختی نیست" (ایلنا، ۱۹ مردادماه). محمد عطاریان، دبیرکل کانون عالی کارفرمایان، به ایلنا، ۲۱ مردادماه، گفت: "جای خوشحالی است که موضوعاتی چون واگذاری امور مردمی به تشکلهای صنفی فراگیر بخشی از برنامه‌های وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت است... امیدواریم که [با] چراغ سبز نمایندگان مجلس این وعده‌ها محقق شوند."

علاوه بر این‌ها، یک فعال کارگری درباره شرایط نامناسب کارگران شاغل در منطقه ویژه اقتصادی عسلویه می‌نویسد: "طی سالهای متمادی اجرای سیاست‌های مورد توصیه بانک جهانی در خصوص تعدیل ساختاری و خصوصی سازی بر کار و زندگی نیروی کار شاغل در ساخت پروژه‌های مادر تاثیرات نامطلوبی گذاشته است... بکارگیری این توصیه‌ها در نهایت باعث نابودی صنایع و کشاورزی داخلی و وابستگی اقتصادی می‌شود... شرایط برای زندگی و کار کارگران شاغل در چنین مناطقی به اندازه حضور در اردوگاه کار اجباری سخت و طاقت فرساست... بررسی‌های علمی سازمان بهداشت جهانی کار نشان می‌دهد که انجام کار روزانه بیش از ۸ ساعت در دراز مدت اثرات روانی و جسمی غیر قابل جبرانی بر نیروی کار به جا می‌گذارد... در مناطق ویژه اقتصادی یک کارگر پروژه‌ای باید روزانه ۱۲ تا ۱۶ ساعت متوالی آنهم بدون بهره‌مندی از مزایای قانون کار فعالیت کند" (ایلنا، ۲۱ مردادماه).

بررغم ۴۸۷ هزارتومان حداقل حقوق "قانونی"، در شرایطی که در خیلی موردها کارگران حتی حقوقی در سطح ۱۸۰ هزار تومان دریافت می کنند (ایلنا، ۴ تیرماه)، و با وصف اینکه "خط فقر واقعی در کشور یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان [است]" (ایلنا، ۲۲ مردادماه)، در نشست "شورای عالی کار"، "کارفرمایان موافقت با افزایش ۲۵هزار تومانی... را مشروط به پس گرفتن شکایت کارگران از دیوان عدالت اداری" کردند (خبرگزاری مهر، ۱۹ مردادماه). چنان‌که پیداست، برخلاف تبلیغات فریبنده، سیاست وزیرکار جدید کاملاً درچارچوب راهبرد اقتصادی– اجتماعی رژیم ولایت‌فقیه قرارمی‌گیرد. این سیاستِ دمساز با مناسباتِ صحنه سیاسی، باروش و شیوه‌هایی جدید اجرا خواهد شد. مسئلهٔ فوری برای زحمتکشان میهن‌ما و جنبش کارگری– سندیکایی موجود، احیای حقوق سندیکایی و امکانِ فعالیتِ سندیکاهای مستقل برپایهٔ منشورِ جهانی حقوق سندیکایی مصوبهٔ فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار است. دراین خصوص بدون تردید در ماه‌های آینده نخستین نشانه‌های سیاست وزیر کار در چارچوب مهندسی تشکل‌های کارگری– یا به‌تعبیر او "باغبانی تشکل‌های کارگری"– آشکار خواهد شد. ازهم‌اکنون برای پذیرشِ حق برپایی سندیکاها برپایه هویت طبقاتی و استقلال عمل آن‌ها آماده شد، از تمام روزنه‌ها بهره گرفت، و در مسیرِ تقویت جنبش سندیکایی هوشیارانه باید مبارزه کرد.

"حزب کمونیست پاکستان"، از رویدادهای کنونیِ پاکستان سخن می‌گوید

بالاخره روند انتخابات در پاکستان به پایان رسید. انتخابات مجلس و همچنین انتخابات ریاست جمهوری، شفاف و بدون تقلب نبودند. تمامی حزب‌های سیاسی از مدت‌ها پیش نگرانی‌های خود را از به‌قدرت رسیدنِ "مسلم لیگ پاکستان"، به رهبری نوازشریف در مرکز و پنجاب، و "حزب تحریک الانصاف پاکستان" در ناحیه خیبر پختونخوا اعلام کرده‌اند. نتیجه‌های این انتخابات با تقلب محض به دست آمده‌اند. هنگامی که تبانی دو جانبه دیوان عالی کشور و دارودسته‌های جهادی در دستگاه‌های دولتی به‌طورآشکار به به‌قدرت رساندن نیروهای دست راستی درپاکستان اقدام کردند، این نگرانی‌ها در دوره انتخابات ریاست جمهوری درست از آب درآمدند.

پیش از انتخابات، حزب کمونیست پاکستان در یکی از بیانیه‌هایش گفته بود: "با جهادگران مذهبی مقابله کنید"، و در مورد حضور اکثریتی قاطع از نیروهای دست راستی در نهادهای دولتی هشدار داده بود که: آنان با توافق ضمنی قصد دارند تا سازمان‌های سیاسی مذهبی همیار خود را به قدرت رسانند که این امر بدون تردید پیامدهای ناگواری برای کشور، و فراتر از آن، در روزهای پیش‌رو خواهد داشت. سپس درست پس از انتخابات، حزب کمونیست پاکستان در جزوه‌یی به نام: "انتخابات ۱۱ مه از دید حزب کمونیست پاکستان"، به‌طورروشن نوشته بود که: اکنون نیروهای دست راستی زمام امور را بدست خواهند گرفت و به طور مسلم قدرت و توان نیروهای تندرو راست را در سرتاسر کشور بالا خواهد رفت. با قدرت یافتن نیروهای نزدیک به طالبان در نواحی مرکزی، خیبر پختونخوا، و پنجاب، به طور مسلم دولت باید در تمام مسائل مربوطه، آنان را زیر چتر همفکری و حمایت بیشتر خود نگه دارد. این دولت مجبور است بر اساس رهنمودهای نهادهای اقتصادی امپریالیستی اقدام‌های ریاضتی بیشتری را درپیش گیرد، که برآمد آن شتاب یافتن روند خصوصی‌سازی و سپس تورم سرسام‌آور و گسترش بختک بیکاری خواهد بود. قدم‌های متزلزل دولت کنونی و افزایش بی‌سابقه قدرت ضربتی طالبان، بار دیگر تمامی نگرانی‌های گذشته و تحلیل‌های حزب را به‌اثبات رسانید .برای نمونه، تنها در ماه ژوئن، طالبان ۲۹حمله فجیع برضد اقلیت‌ها انجام دادند که به کشته شدن صدها تن از مردم بیگناه، کودکان، و زنان منجر گردید . طالبان با حمله به زندان قدیمی صد ساله در شهر دیره اسماعیل خان وارد آن شدند و آن را به تصرف خود درآوردند و سه ساعت بدون واهمه عرض اندام کردند و با بلندگو دوستان تندرو خود را بنام خواندند و توانستند ۳۰۰ زندانی طالبانی را آزاد کرده و همراه خود ببرند، که نشانگر از کارافتادگی شدید دولت و ناتوانی محض است. این ۱۵۰ تروریست از چه میزان توانایی تدارکاتی می‌توانسته‌اند بهره گیرند تا همراه خود کاروانی از ۲۵۰ تن از یاران تروریست خود را در مسیر بیش از ۱۰۰ کیلومتر به سرعت از دیره اسماعیل خان تا وزیرستان انتقال بدهند؟ این را نیز باید در نظر داشت که دیره اسماعیل خان پادگان نظامی بزرگی دارد که از گردانی از نیروهای کاملاً مسلح و چندین پاسگاه‌های بازرسی مربوط به سازمان‌های متفاوت امنیتی نیز در طول مسیر تا وزیرستان شامل خود ارتش، نیروهای امنیت مرزی و نیروهای شبه‌نظامی متشکل است.دستگاه‌های اطلاعاتی سه روز قبل از آن مسئولان دولتی را از حمله قابل انتظار آگاه کرده بودند.واقعه مشابهی یک بار پیش از این و در آوریل ۲۰۱۱ در شهر بانو روی داده بود که مسئولان دولتی و نیروهای امنیتی به بهانه سخیف نزدیکی وزیرستان به بانو از مسئولیت خود شانه خالی کرده بودند، درحالی‌که وزیرستان– کانون شورش طالبان– بیش از یکصد کیلومتر از محل این رویداد فاصله داشت .این پرسش پیش می‌آید که: چرا این تروریست‌های خطرناک در اینجا نگاهداری می‌شدند و به‌موقع به نقاط امن‌تری در درون کشور منتقل نشده بودند؟ فرار از زندان برای طالبان اکنون به‌صورتی متداول درآمده است. پیش از این هیچ‌گونه فراری از زندان صورت نمی‌گرفت. به نظر می‌رسد که خود دولتی‌ها هم در این رویداد دست داشته‌اند .ازقضا دولت پس از این اتفاق ویرانگر حتی بیش از پیش کر، کور، لال، و بی‌تفاوت گردیده است. روحیه وشهامت این جهادگران مذهبی چنان بالا رفته که در ۴ اوت گستاخانه و با پروایی به‌محاصره پایتخت– اسلام آباد – در تپه‌های مارگالا اقدام کردند. پس از آشکار شدن این فعالیت‌های شریرانه، ۳۰ واحد تکاور ویژه برای پاک‌سازی ناحیه اعزام شدند. به‌گفته تحلیلگران سیاسی، تروریست‌ها قصد داشتند در روز عید فطر کنترل اسلام آباد را به‌دست گیرند. باید دردناکانه اعلام کرد که، باوجود تمام کنش‌های جهنمی از سوی تندروهای جهادی، سازمان‌های‌شان کاملاً آزادنه در سراسر کشور به فعالیت مشغولند و برنامه عملیات شریرانه‌شان را پیاده می‌کنند: به‌نظر می‌رسد که دولت را در کنار خود دارند. این‌ها می‌توانند عملیات تمرینی طالبان به دستور ارتش پاکستان باشد.

شرایط یاد شده در بالا، بار دیگر تحلیل‌های پیشین و نگرانی‌های حزب کمونیست پاکستان را در مورد تسلیم سریع پاکستان در برابر نیروهای فاشیستی را ثابت می‌کند. این شرایط به بی‌مهار شدن خونریزی وحشتناک و بربریت افراطی دامن خواهد زد که هدف اصلی آن در سطح گسترده نیروهای ترقی‌خواه و زنان خواهند بود. بدون تردید چنین امری بهانه کافی را برای مداخله ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش به‌دست خواهد داد. چشم پوشیدن از آن یا واهمه داشتن از آن مهم نیست، خطر محتمل در هر دو حالت، ضربه‌های ویرانگر وحشتناکی را برضد کمونیست‌ها، نیروهای ترقی‌خواه، سکولار، و اقلیت‌ها وارد خواهد کرد. بر این اساس، حزب کمونیست پاکستان همه نیروهای همفکر را فرا می‌خواند تا در این برهه بسیار حیاتی در تاریخ با یکدیگر متحد گردند و از وارد آمدن این ضربه تهدیدکننده و نابودساز پیشگیری کرده و آن را به پس رانند.

کارگران، دهقانان، دانشجویان، زنان، مجمع‌های غیرمسلمان و از جمله مجمع‌های فرقه‌ای دیگر مسلمانان، که در خطر کشتار همگانی به دست این جهادگران فاشیست وهابی‌اند، همگی باید در برنامه‌یی با هدف وحدت، متشکل شوند .تاریخ از ما می‌خواهد که از خواب عمیق طولانی بیدار شویم، زمان در اختیار ما کاملاً کوتاه و امکان‌های رویارویی نیز به‌سرعت در حال تحلیل رفتن‌اند.

هیئت سیاسی حزب کمونیست پاکستان، ۱۵ مردادماه ۱۳۹۲ (۶ اوت ۲۰۱۳)

حزب توده ایران: حملهٔ تروریستی، و قتل‌عام در اردوگاهِ اشرف، محکوم است!

"کمپ اشرف"، شهرک و پایگاهِ سابق سازمان مجاهدین خلق در عراق، که هنوز هم صد نفر از اعضای این سازمان در آن به‌سر می برند، در روز یکشنبه ۱۰ شهریورماه ۱۳۹۲، بار دیگر مورد حمله قرار گرفت. بر اساس گزارش های سازمان مجاهدین خلق، بیش از ۵۰ تن از اعضای غیرمسلح و بی دفاع این سازمان، در جریان حملهٔ روز یکشنبه، به‌طرزوحشیانه‌ای به‌قتل رسیده‌اند. این حملهٔ مرگبار، با تعهدهای سازمان ملل متحد و دولت عراق مبنی بر تضمین امنیت و سلامت ساکنانِ "کمپ اشرف" و "کمپ حریه" (محل اسکانِ فعلیِ بیش از ۲۰۰۰ تن از اعضای مجاهدین خلق) در تضاد آشکار قرار دارد. اعلامیهٔ رسمی سپاه پاسداران، که در آن از شبیخون و قتل‌عامِ انسان‌های بی‌دفاع در روز یکشنبه گذشته ابراز شادمانی می‌شود، عامدانه و همراه با دهن کجی، دخیل بودن و دست داشتنِ این نیروی سرکوبگر در این کشتار را افشا کرد. این جنایتِ هولناک از سوی سازمان‌های مدافع حقوق بشر و دموکراسی، که رسیدگیِ مجامع بین‌المللی به این جنایت را خواستارند، محکوم شده است.

حزب توده ایران، همراه با محکوم کردن این جنایتِ هولناک، همچنین ضرورتِ خارج کردن اعضای باقیماندهٔ مجادهین خلق ایران از عراق و مسئولیت رهبری سازمان در این‌باره را بار دیگر مورد تصریح قرار می‌دهد. ادامه استقرار هزاران عضو مجاهدین خلق در عراق، ده سال پس از سقوط حکومت بعث و رژیم دیکتاتوری صدام حسین و به قدرت رسیدنِ نیروهایی که با رژیم ولایت فقیه در ایران نزدیکیِ ایدئولوژیک و همکاری و هماهنگی‌هائی تنگاتنگ دارند، به‌هیچ‌روی نمی‌تواند توجیه‌پذیر باشد. حقیقت این است که، متأسفانه، رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران– در طول سه دههٔ گذشته– با درپیش گرفتنِ سیاست‌های اشتباه‌آمیز و فاجعه بار، اعضای سازمان و خانواده‌های آنان را بارها با خطرهای مرگبار روبه‌رو کرده است. سرنوشت تاسف‌انگیزِ مجاهدین خلق در عراق– و آنچه که در کمپ اشرف اتفاق افتاده است– بی‌شک از پیامدهای سیاست فاجعه‌آمیزِ رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران در زمینهٔ انتقالِ شمار بسیاری از اعضای این سازمان به عراق است. این انتقال، بر پایهٔ موافقتنامه‌یی با رژیم دیکتاتوری صدام حسین در حالی صورت پذیرفت که، این کشور در جنگ با ایران بود. حزب توده ایران، همراه با ابراز همدردی‌ای عمیق با بستگان قربانیان کمپ اشرف، اقدام تروریستی و ضدبشری حمله خونین به اعضای باقی‌ماندهٔ سازمان مجاهین خلق در این اردوگاه را به‌شدت محکوم می‌کند. حزب ما، دولت عراق را مسئول پی‌گیری، شناسایی، و مجازاتِ طراحان، آمران، و ماموران اجرای این جنایت هولناک می داند. مسئولیتِ حفظ جان اعضای مجاهدین تا زمانی که در پوششِ موافقتنامه‌های سازمان ملل در خاک عراق به‌سر می‌برند، با دولت این کشور است. حزب توده ایران، ارگان‌های مسئول سازمان ملل متحد را فرامی‌خواند تا در ارتباط با حفظِ امنیتِ اعضای مجاهدین خلق مادامی که در خاک عراق به سر می‌برند، و همچنین به‌وجود آوردن شرایط انتقال سریع اعضای مجاهدین خلق به کشورهای دیگر، اقدام‌های جدی به عمل آورند.

ادامه تأملی بر بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب...

خاتمی به روح این مساله به‌ویژه در جهت‌گیری‌های سیاست اقتصادی دولت خود توجه نداشته باشد این احتمال وجود دارد که نتواند موفق شود و شما اگر امروز بخواهید تحلیل کنید که چرا از دل دولت خاتمی دولت احمدی نژاد بیرون آمد، یکی از کانون‌های توضیح‌دهنده قضیه همین است که ما نگرش چندوجهی را فراموش کردیم." دولت روحانی- در همین مدت زمان کوتاه- به‌روشنی نشان داده است که تمایل و خواستش اجرای برنامه‌های اقتصادی از پیش تجربه‌شده است و در این میان قربانیان، همچون سابق، زحمتکشان میهن‌اند. زمزمه‌های نگران‌کننده در ارتباط با "مسکن مهر"، دورخیزها و دیدگاه های دولت جدید را در راستای برنامه‌هایی ضد مردمی را به خوبی نشان می‌دهد. به گزارش دنیای اقتصاد، ۵ شهریورماه، عباس آخوندی با اشاره به اینکه ۴۰ درصد تورم به خاطر "مسکن مهر" است، گفت: "تداوم مسکن ارزان قیمت به اجماع کابینه مشروط است." آن چیزی که از فحوای این تاییدها و تکذیب‌ها تاکنون مشخص گردیده این است که، ظاهرا دولت از تامینِ مالی این پروژه‌ها ناتوان است. دنیای اقتصاد در توصیف آخوندی می‌نویسد که، او پیش از آنکه وزیر شود به دخالت مستقیم و دستوری دولت در بازار مسکن هیچ اعتقادی نداشت. ما در اینجا قصد بررسی مشکل مسکن مردم را نداریم، اما برای نشان دادن دیدِ حاکم بر دولت و اعضای آن لازم دیدیم به این موضوع اشاره کنیم. این گفته‌ها به‌خوبی نشان می دهند که همین طرح نیم‌بند هم که شاید می توانست التیامی بر زخم بی مسکنیِ میلیون‌ها تن از مردم باشد، امروز در صورت عدم اعتراض های مردمی می تواند به ضرر زحمتکشان متوقف شود.

یارانه‌های نقدی از جمله دیگر موردهایی است که قرار است پروژهٔ حذفِ آن به مرحله اجرا درآید. به گزارش خبرگزاری مهر، ۱۴ شهریورماه، مصباحی مقدم، رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، گفت: "بعضی از سیاست‌ها مردم را تنبل می‌کند که می‌توان در این رابطه به پرداخت یارانه نقدی اشاره کرد." اکبر ترکان نیز در این ارتباط گفت: "یارانه نقدی را که اکنون دارند می‌دهند خیلی به بخشی از جامعه کمک نمی‌کند و بخشی از این یارانه‌ها بر سر سفره نمی روند" (روزنامه آرمان، ۲۲ مردادماه). زنگنه، وزیر نفت، در نشستِ اتاق بازرگانی، با اظهار خشنودی از رشد بخش خصوصی، گفت کمک به: "رشد بخش خصوصی در تمام زمینه‌ها را تکلیف خود می‌دانم و در هر جایگاهی در دولت که باشم این مهم را پیگیر خواهم بود" (دنیای اقتصاد، ۲۲ مردادماه). به گزارش ایلنا، ۴ شهریورماه، دانشمند، از اعضای اتاق بازرگانی، با درخواست حذف تمامی معافیت‌های گمرکی و تثبیت نرخ ارز، گفت: "اگر دولت در مدت ۱۰۰ روزه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی خود در حوزه‌های مختلف از واردات برنج گرفته تا بحث حمل و نقل صادراتی به بخش خصوصی اعتماد کند، این امر می‌تواند در تسریع روند تجارت خارجی و حل معضلات این حوزه کمک شایانی باشد." بهمنی، رئیس سابق بانک مرکزی، در مصاحبه با خبرگزاری تسنیم، ۱۲ مردادماه، فاش ساخت: "می‌خواستند ۷۵ کشتی خودرو و کالای لوکس را به اسم دارو وارد کنند." در مقدمه مصاحبه هفته نامه "تجارت فردا"، ۵ مردادماه، با یحیی آل اسحاق، یکی دیگر از اعضای اتاق بازرگانی، مطلب تأمل برانگیزی آمده است. مصاحبه‌گر در این ارتباط می‌نویسد: "بعد از یک نشست طولانی با چند واردکننده سرشناس به دیدارش می‌روم. آنها همراه با یکی از وزرای احتمالی دولت آینده به دفترش آمده‌اند تا برای رفع موضوعی که نمی‌دانم چیست، ریش‌سفیدی کند. بعد از رفتن مهمانان، هر چه اصرار می‌کنم چیزی نمی‌گوید اما وقتی به وزیر احتمالی دولت آینده زنگ می‌زنم، متوجه می شوم ماجرا مربوط به واردات دانه‌های روغنی و کنجاله است که یحیی آل‌اسحاق قول داده تا انتها دنبالش کند. چند روز بعد دوباره موضوع را پیگیری می کنم و متوجه می‌شوم که رایزنی‌های رئیس اتاق تهران مؤثر افتاده و بانک مرکزی قول داده روزی ۱۰۰ میلیون دلار ارز اختصاص دهد." در حالی که دولت مصمم است طرح "مسکن مهر" را به دلیل مشکل مالی متوقف کند، روزانه صد میلیون دلار به یکی از اعضای نهاد انگلی اتاق بازرگانی پرداخت می‌شود تا در ظاهر کنجاله وارد کند و در نهایت به‌جای آن- همان‌طور که بهمنی افشا کرده است- شاهد واردات کالاهای لوکس و سود ده به‌وسیلهٔ این قشر انگلی باشیم. درگیری بر سر غارت منابع ملی در بین جناح‌های حکومتی، هفته پیش، با تهدید به استیضاح سه وزیر دولت روحانی رسانه‌ای شد. موسی‌الرضا ثروتی، نماینده بجنورد، ابطال واگذاری ۴۹ درصد سهم شرکت مهاب قدس به آستان قدس رضوی را در مغایرت با سیاست خصوصی سازی و اصل ۴۴ دانست. صادق زیبا کلام، در مقاله‌یی در روزنامه شرق، ۷ شهریورماه، با اشاره به معضل‌های سازمان تامین اجتماعی، می نویسد: "اگر به مرحوم "آدام اسمیت" می‌گفتیم در کشوری که از نظر فرهنگ و تمدن یکی از پرافتخارترین‌ها در دنیاست، اتفاقی قریب و نادر افتاده که آمده‌اند از پس‌انداز حاصل از حق بیمه‌ها، سرمایه‌گذاری کرده‌اند اما خیلی از آن سرمایه‌گذاری‌ها یا واگذاری‌های دولتی، سود ده که نیستند هیچ، ضرر هم هستند و از جنابشان می‌پرسیدیم چرا اینگونه شد؟ یقینا ایشان با خونسردی و اکراه از تکرار نکته‌ای که بارها و بارها توضیح داده بودند، سوال می کردند: "مگر نگفتید که مدیریت آن سرمایه‌گذاری‌ها یا همان شستا با دولت است" و وقتی ما پاسخ می‌دادیم "بله" ایشان با عصبانیت می‌گفت "مگر من بارها و بارها نگفته بودم دولت، تاجر خوبی نیست؟ شستا را می‌سپردید به بخش خصوصی توانمند و متخصص، آن وقت می‌دیدید که چگونه سازمان به جای آنکه باری روی دوش دولت تدبیر و امید می‌شد، امروز درآمدهایش آنقدر زیاد بود که چه‌بسا دولت تدبیر و امید را اساساً نیازی به درآمد نفت و پارس‌جنوبی نمی‌بود."

سخن زیبا کلام بسیار روشن و گویا است. او آن‌قدر شیفته و مجذوب نولیرالیسم است که فراموش کرده است این سازمان به بیش از سی میلیون نفر از زحمتکشان میهن و خانواده‌های‌شان تعلق دارد، و اگر قرار است سایه دولت از سر این سازمان کم شود چرا این امر را به صاحبان اصلی آن محول نکنیم. می گویند "سالی که نکوست از بهارش پیداست" دولت تدبیر و امید و سیاست های اعلام شده از سوی آن، به نظر نمی آید که مأمنی برای تحقق حقوق زحمتکشان میهن باشد. دولت تدبیر و امید قرار است زمینه‌های لازم برای تقسیم و چپاول منابع ملی را در مسیری قرار دهد که ذی‌نفعان آن در نهادها و بنیادهای انگلی و غارتگر به ثروت‌های نجومی‌شان هر چه بیشتر بیفزایند. مردم ما در طول بیش از ۳۲ سال حکومت رژیم ولایت فقیه دریافته اند که تنها ملاک واقعی سنجش حکومت مداران کنونی عملکرد روشن، آنها و نه شعارهایی است که حضرات با مقتضییات روز می دهند.

بیانیه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به روشنی نشان می‌دهد که نگاهِ سیاست‌گذاران این سازمان همچنان مجذوب چانه زنی بین جناح‌های حکومتی است، و از توجه و بها دادن به نقش نیروی اجتماعی به سهو و یا به‌عمد طفره می‌رود. ما بازهم تکرار می کنیم: بدون تکیه بر جنبش‌های اجتماعی و مبارزه آنها، تحول‌های بنیادین و پایدار برای تحقق آزادی و حقوق دموکراتیک در میهن ما غیرممکن است.

ادامه بگذارید زنگ ها به صدا درآید ...

سازمان "اقدام برای صلح" و بسیاری از کسان در جنبش وسیع‌تر صلح، در کنار آنانی که از به‌قتل رسیدن تریوان مارتین- نوجوان غیرمسلح در فلوریدا- به خشم آمده بودند، به‌پا خاستند. ما می‌دانیم که سیاست‌های یک‌درصدی‌ها در جهت تلاش برای جدا کردن متحدان طبیعی در مبارزه برای جامعه و دنیایی عادلانه‌تر و صلح‌آمیز است. ما می‌دانیم که باید برای صلح و عدالت هم در کشور و هم در بیرون از آن مبارزه کنیم.

جنبش صلح امروز در ساختن جنبشی به اندازه کافی نیرومند که بتواند آنانی را که درصددند تا حق رأی را محدود کنند و یا عامل نژادی و شکل ظاهری افراد را بهانه‌یی برای نقض آزادی‌های مدنی قرار دهند به چالش بکشد، می‌کوشد موفق شود. جنبش صلح این امر نه تنها از نظر اخلاقی صحیح می‌داند - که چنین نیز هست - بلکه به‌منظور برپایی جنبشی گسترده‌تر و نیرومندتر که توانایی پایان دادن به نظامیگری و برپایی روابطی نوین میان ایالات متحده و بقیه جهان را داشته باشد، بدان نیازمند است .سازمان اقدام برای صلح در پنجاه سالگی راهپیمایی به سوی واشنگتن برای اشتغال، عدالت، و آزادی، به آنانی می پیوندد که میراث جنبش حقوق مدنی و زندگی دکتر مارتین لوتیرکینگ را جشن می‌گیرند. سازمان دهندگان راهپیمایی ۲۴ آوریل ۲۰۱۳ در واشنگتن اعلام کردند: "این یک یادبود نیست، بلکه یک تداوم است." چه زمانی بهتر از این زمان تا برای برپایی جنبش به تعمق واندیشیدن در باره درس‌های جنبش سازی نهضت حقوق مدنی بپردازیم.

جنبش صلح باید به برآوردن رؤیای دکتر کینگ یاری کند... پنجاه سال پس از آن تاریخ، مبارزه بر ضد نژادپرستی، مادی گرایی، و نظامیگری، ادامه دارد. این رسالت ماست" .اقدام برای صلح "یکی از حامیان پنجاهمین سالگرد راهپیمایی در واشنگتن بود.

توسعهٔ اقتصادیِ ویتنام، همچنان ادامه دارد

مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام برضد امپریالیسم آمریکا، و پیش از آن برضد امپریالیسم فرانسه، و در راه بازگرداندن استقلال سیاسی، وحدت ارضی ویتنام، و پایه گذاری سوسیالیسم در این کشور، دهه‌ها الهام‌بخش مبارزان راه آزادی خلق‌ها بود. مبارزه کمونیست‌های ویتنامی برای بازسازی اقتصاد و پایه‌ریزی جامعه‌یی سوسیالیستی در سرزمینی که دهه‌ها امواج وحشیانه‌ترین بمباران‌ها و هدف تخریب تاسیسات زیربنایی بود، از همان نخستین لحظه‌های پیروزی آغاز شد. شکست تجربه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی، ضربه مهلکی بر تلاش های رفقای ویتنامی وارد آورد، تلاش‌هایی که به کمک‌های تکنولوژیک، علمی، و اقتصادی این کشورها بسیار نیازمند بودند. کوشش قهرمانانه رفقای ویتنامی برای ادامه ساختمان سوسیالیسم در شرایط دشوار جهانی، ساختمان اقتصادی پویا و مدرن، و درعین‌حال، حفظ نقش رهبری‌کننده و پیشاهنگ حزب کمونیست ویتنام، به‌واقع تحسین‌برانگیز است. حزب توده ایران، همان گونه که در خلال سال‌های جنگ برضد تجاوزگری و نظامی گری امپریالیسم به‌همبستگی همه‌جانبهٔ خود با خلق قهرمان ویتنام و حزب کمونیست ویتنام ادامه داد، در دو دهه اخیر نیز روابط برادرانه با حزب کمونیست و رفقای ویتنامی را ادامه داده است.

"نامه مردم"، به بهانهٔ برگزاری موفق هفتمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام و انتشار برخی اسناد آن، عرصه‌هایی از نبرد حیاتی رفقای ویتنامی در راه غلبه بر مشکل‌های اقتصادی، ادامه برپایی جامعه‌یی مرفه، مدرن، و سوسیالیستی در دو دهه اخیر، گزارش حاضر را به‌منظور اطلاع رسانی و ترسیم واقعیت‌های موجود در جهان برای جویندگان راه سوسیالیسم در کشورمان، در زیر می‌آورد:

ویتنام، پس از بیست سال اجرای برنامه‌های بازسازی اقتصادی ، در راه برقراریِ سازوکارِ اقتصاد بازاری‌ای سوسیالیست‌محور گام‌های بلندی برداشته است، و در نتیجه، منابع خود را به سمت توسعهٔ هرچه بیشتر، نرخ رشد بالا، به‌وجود آوردن فرصت‌های شغلی جدید، و افزایشِ سطح عمومی زندگی مردم، هدایت می‌کند. کنگرهٔ یازدهم حزب کمونیست ویتنام، پس از ارزیابیِ اقدام‌های انجام شده در اقتصاد و نایکنواختیِ در آن، بر این نظر است که: "سازوکارهای اقتصادی‌ای بر مبنای بازار هنوز چنانکه شاید و باید به کار گرفته نشده‌اند. سازوکار اقتصادِ بازار بر کار هماهنگِ چند بازار در درون یک اقتصاد مبتنی است. اگر هر یک از این بازارها به‌درستی رشد نکرده باشند، بر عملکردِ دیگر بازارها اثر می‌گذارد و پیشرفت عمومی اقتصاد را به تاخیر می‌اندازد." کنگره یازدهم حزب کمونیست ویتنام، بر این واقعیت- که در بررسی نتایج سال ۲۰۱۲ خود را نشان داد- تاکید ورزید. بر این اساس، ویتنام خود را به توجه هرچه بیشتر به تکمیل اقتصادِ بازارِ ایجادشده نیازمند می‌داند، زیرا : "اگر ویتنام بخواهد عقب‌ماندگی‌اش از کشورهای منطقه را در برابر جهانی‌سازی و رقابت دشوار حاصل از آن جبران کند، لازم است اقتصاد بازاری‌ای مدرن به‌وجود آورد و شرایطی را تامین کند که منابع در بین بخش‌های مختلف اقتصاد و منطقه‌های کشور بر اساس علامت‌های بازار و نشانه‌های میانگین سود جابه‌جا شود. چنین اقدامی اطمینان به توسعه یکنواخت و متعادل اقتصادی را باعث می‌شود."

ویتنام، از سال ۲۰۱۲، به بازنگریِ قانون زمین پرداخته تا با برقرار ساختن این نوع بازارها، شرایط را برای توسعه‌یی سالم در بخش ساختمان و مسکن فراهم سازد. به‌وجود آوردن بازار سهام، توسعهٔ بازار بیمه، و تقویت بخش علم و فن‌آوری در این زمینه، از دیگر موردهایی‌اند که در کانون توجه قرار داشته است. کنگره اذعان می‌دارد: "یک اقتصاد بازار مدرن به برقراری محیط رقابتی‌ای عادلانه برای نقش آفرینان بازار نیازمند است. رقابت، ویژگی اصلی هر اقتصاد بازاری است." علاوه بر این: "ویتنام باید قوانین‌اش در مورد رقابت پذیری و کنترل هرگونه انحصار بر منابع طبیعی را تکمیل کند، و ظرفیتِ حمایت از مالکیت‌های معنوی‌اش را افزایش دهد."

بدین منظور: "باید از شفافیت، اطلاع رسانی عمومی، و پاسخگوبودن در همه سیاست‌های مدیریتی و پروژه‌های توسعه‌ای و نیز عملکردهای بازرگانی، اطمینان حاصل شود. همراه شدن با سازوکارِ بازار، سیاست های درهای باز و فرایندهای ادغام جهانی با ایجاد اقتصادِ چندساختاری و چندمالکیتی، به‌وجود آمدن "گروهِ منافع"های مختلفی را باعث شده است. این "گروهِ منافع"ها می‌توانند به شکلی هدفمند بر فرایندِ تصمیم‌گیری تاثیر بگذارند. شفافیت و اطلاع رسانی به مردم نه‌تنها به‌وجود آمدنِ فرصت‌های مساوی در دسترسی به اطلاعات را موجب می‌شود، بلکه شرایطی را نیز زمینه‌ساز می‌گردد تا در آن شهروندان بتوانند سازمان‌های تصمیم گیرندهٔ مدیریتی را زیر نظارت بگیرند، و در رویارویی با دخالت "گروهِ منافع"ها در تصمیم‌گیری‌ها، اقدام‌هایی اساسی صورت بگیرد. باید اطمینان یافت که تصمیم‌ها بر اساس شاخص های عمومی و منافع ملی گرفته شده‌اند." در ادامه می آید: "ویتنام در شفاف‌سازی، اطلاع‌رسانی به مردم، و پاسخگوبودنِ نهادهای دولتی اش پیشرفت چشمگیری داشته است. اما این هنوز در حدی نیست که ویتنام نیازمند آن است. دولت برای اطمینان از رعایتِ حق شهروندان در دسترسی به اطلاعات و بسطِ انتقادِ اجتماعی، درحال نهایی کردنِ قوانینی است که گفت‌وگو دربارهٔ سیاست‌ها و پروژه‌های توسعه بین نهادهای دولتی، متخصصان مستقل، و شهروندان را، نه بعد از گرفتن تصمیم ها، بلکه پیش از تصمیم‌گیری‌ها، را تشویق می‌کند."

کنگره بر آن است که، از سویی: " سازوکارهای اقتصاد بازاری‌ای مدرن در عصر جهانی‌سازی و ادغام بین‌المللی وسیع به‌تغییر شیوهٔ ارتباط دولت و بازار نیازمند است. دولت باید از دخالت مستقیم در فرایندهای اقتصادی دوری گزیند و در نقشِ سهل‌کنندهٔ توسعه عمل کند، تا از ثبات اقتصادِ کلان، به‌وجود آمدنِ شرایط مناسب برای بازرگانی اطمینان حاصل کند، و سازوکارهای توسعه را به‌وجود آورد، و خدمات اجتماعی را بهبود بخشد"، و از سوی دیگر: "اقتصادِ بازار و جهانی‌سازی، بر توانمندی اقتصادی بخشی از مردم می‌افزاید و فاصله غنی و فقیر را افزایش می‌دهد. دولت باید سیاست‌هایی را درپیش گیرد و قوانینی را به‌کار بندد تا بر این جنبهٔ منفیِ اقتصادِ بازار و جهانی‌سازی، غلبه شود. باید اطمینان حاصل شود که: رشدِ اقتصادی با پیشرفت اجتماعی و عدالت [اجتماعی] همراه است." به همین دلیل: "توسعهٔ سوسیالیست‌محور، کارِ دولت است. دولت باید از سویی عملکرد خودسامان‌دهیِ بازار را تقویت کند، و از سوی دیگر جلو تاثیرهای منفیِ بازار را بگیرد، و از سازمان‌دهیِ صحیح توسعهٔ اجتماعی اطمینان حاصل کند." کنگرهٔ یازدهم حزب کمونیست ویتنام "هدف از بازسازیِ اقتصادی و تغییرِ الگوی رشد را سرعت بخشیدن به تغییر ساختارِ اقتصادی و نیز تولید و خدمات برای رسیدن به سطح بالاتری از بهره وری، کیفیت، و اثربخشی و رقابت‌پذیری در داخل و خارج به‌منظورِ پیوستن به شبکه و زنجیرهٔ تأمین همراه با ارزش افزودهٔ بالای منطقه‌ای و جهانی" دانسته است. به‌نظرِ کنگره: "باید تلاش شود از سرمایه گذاری‌های پراکنده و سراسری اجتناب شود، و بر پروژه‌هایی ضروری و زودبازده و سهل کردنِ انتقال عامل‌های تولید به منطقه‌های دارایِ قابلیت‌های توسعه- به‌منظورِ کاهش هزینه حمل و نقل و بالابردن سطح رقابت پذیری، تمرکز صورت گیرد." کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام نیز اعلام می‌دارد: "اصلاحِ مستمر و اعتلایِ نظام سیاسی باید به نهادینه کردنِ نقطه نظرها و موضع‌گیری‌های حزب و تحکیمِ آن‌ها- بر اساس سندهای یازدهمین کنگره ملی حزب- بینجامد که به بازنگری در قانون اساسی ۱۹۹۲ مربوط است." اجرای این برنامه باید به صورتی انجام شود که "با حفظِ ثبات سیاسی- اجتماعی و پاسخگویی به نیازهای توسعهٔ ملی در دوران جدید، به استواری نقشِ رهبری حزب و اعتبار و کارایی مدیریتِ دولتی، و همچنین تقویت حق حاکمیتِ مردم، پایبند بماند"، و علاوه بر این، "اصلاح و اعتلایِ نظام سیاسی باید کانون توجه را بر به وجود آوردن اداره‌هایی همگن، همگون، پایدار، و کاربردی، و نیز تربیت عدهٔ چشمگیری کادر و کارمند دارای قابلیت‌های سیاسی و حرفه‌ای، همراه با حقوق و مزایای کافی، متمرکز کرد." کمیته مرکزی حزب، برنامه بازسازی و تقویت نقش رهبری حزب در برانگیختن توده‌های مردم در موقعیت جدید را مورد بررسی قرار داد، و چنین نتیجه گرفت که: "در دوران انقلاب، حزب کمونیست ویتنام همیشه حرکت‌های توده‌ای و کار توده ای را وظیفه‌یی راهبردی و عاملی مهم برای انقلاب به شمار آورده است. این شرطی ضروری برای تضمین رهبری حزب و نقطهٔ پیوند حزب با مردم است. کمیته مرکزی حزب بر این دیدگاه تاکید می ورزد که: "انقلاب ریشه در مردم دارد و به‌وسیله مردم انجام شده است و از آنِ مردم است. مردم بر آن سروری دارند و با آن، سروری‌شان را به‌کار می‌برند. همه راهکارها و سیاست‌های حزب و دولت باید در آرزوها و خواست های مشروع مردم ریشه داشته باشد. به حرکت درآوردن مردم، کارِ سراسری حزب و نظام سیاسی است."

بگذارید زنگ‌ها به صدا درآیند!

به مناسبت پنجاهمین سالگشت سخنرانی تاریخی مارتین لوتر کینگ رهبر جنبش سیاهپوستان آمریکا با عنوان: "رؤیایی که من در سر دارم." او سخنرانی‌اش را با این جمله آغاز کرد: "بگذارید زنگ‌ها به‌صدا درآیند."

"رؤیایی که من در سر دارم"، نام سخنرانیِ ۱۷ دقیقه‌ایِ رهبر سیاه‌پوستِ جنبش مدنی آمریکا در گردهمایی بزرگ طرفداران تساوی حقوق سفیدپوستان و سیاه‌پوستان در شهر واشنگتن[روز ۶ شهریورماه ۱۳۴۲](۲۸ آگوست ۱۹۶۳) است. این جنبش، و همچنین آن تظاهرات بزرگ مرتبط با آن، که در اعتراض به تبعیض‌های نژادپرستانهٔ خشن و عریان برضد سیاهان برگزار شد، شرکت کنندگان در آن، کار، عدالت اجتماعی، و حقوق مساوی را برای همگان خواستار شدند. مارتینگ لوتر کینگ در این سخنرانی معروف که عبارت "رؤیایی که من در سر دارم" بارها در آن تکرار شد، از آرزوهای خود سخن گفت، و ابراز امیدواری کرد که زمانی فرارسد تا در آمریکا، دمساز با مرام و آرمان خویش، زندگی کند و دست یافتن به برابری ذاتیِ انسان‌ها را به‌چشم خویش ببیند. مارتین لوترکینگ در این سخنرانی چندین بار گفت: **" رؤیایی که من در سر دارم."** او رؤیاها و آرزوهایش را در زمینهٔ آزادی، برابری، برادری، و دیگر ارزش‌های والای انسانی را با همگان در میان گذاشت. این سخنرانی، از قوی‌ترین و الهام‌بخش‌ترین سخنرانی‌های عدالت‌خواهانه در تاریخ آمریکا به‌شمار می‌آید، و پس از آن به نام سخنرانی "رؤیایی که من در سر دارم "در جهان مشهور شد. این سخنرانی را "کتابخانه کنگره آمریکا"، در سال ۲۰۰۴، زیر نام: "اثر برجستهٔ فرهنگی و تاریخیِ ماندگار"، به فهرست گنجینهٔ ملی آمریکا افزود. مارتین لوتر کینگ پنج سال پس از این سخنرانی، در فروردین‌ماه ۱۳۴۷ (۴ آوریل ۱۹۶۸) ترور شد.

در مراسم پنجاهمین سالگشت این سخنرانی تاریخی، صدهاهزار تن از مردم آمریکا، هفته گذشته، در واشنگتن راه‌پیمایی کردند، که در خلال آن، باراک اوباما، و همچنین بیل کلینتون و جیمی کارتر- رئیس جمهوری‌های سابق آن کشور- بدین مناسبت سخنرانی کردند. مارتین لوترکینگ رؤیای مشهورش را دربارهٔ خاتمه دادن به تبعیض نژادی و روی‌آوردن به عدالت اجتماعی را- پنجاه سال پیش- با جمله: **"بگذارید زنگ‌ها به‌صدا درآیند"**، بیان داشت.

"نامه مردم"، به‌مناسبت پنجاهمین سالگشت سخنرانی تاریخی مارتین لوتر کینگ، مقاله‌یی از "جودیت لو برانگ"، از رهبران جنبش صلح و عدالت اجتماعی، را در زیر می‌آورد. "جودیت لو برانگ" از رهبران "اقدام برای صلح" [بزرگ‌ترین گروه صلح مردمی در ایالات متحده] و نیز از اعضای رهبری حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا است.

رؤیایی که من در سر دارم!

پس از سخنرانی تاریخی و حماسی دکتر مارتین لوترکینگ با نام: "فراتر از ویتنام "، در سال ۱۹۶۷، که در آن با جنگ ایالات متحده در آسیای جنوب شرقی مخالفت کرد، با موجی از انتقاد از سوی هیئت تحریریه‌های نشریه‌ها، کمک مالی دهندگان، و حتی دیگر رهبرانِ مبارزهٔ حقوق مدنی، روبرو گردید.

رالف بانچ، نخستین رنگین پوستی که جایزه صلح نوبل را در سال ۱۹۵۰ دریافت کرد، به نیویورک تایمز گفت: "کینگ باید بداند که نبرد او برضد

جنگ ویتنام، بسیاری از دوستان و پشتیبانان جنبش حقوق مدنی را از آن رانده و به‌شدت تضعیفش خواهد کرد"- کنایه‌یی تعقیدآمیز به رهبر مبارزه‌یی برای حقوق مدنی.

کنفرانس رهبران مسیحی جنوب ایالات متحده، سازمانی که کینگ به آن تعلق داشت، به سببِ "پا را از گلیم خود درازتر کردن" و "تنها به امور حقوق مدنی" بسنده نکردن، با پیامدهای مالی و سیاسی روبه‌رو گردید.

امروز برخی‌ها ضرورت دفاع جنبش صلح از برابری نژادی را زیر علامت سؤال برده‌اند. آنان می‌پرسند که، خواست عدالت برای "تریوان مارتین "(جوان رنگین پوستی که در فلوریدا به قتل رسید و ضارب او تبرئه گردید)، حقوق مهاجران، و پایان دادن به آزار افراد بر اساس ظاهر آنان، چگونه به تغییر سیاست خارجیِ ایالات متحده کمک می‌کند؟

این پرسش‌ها کم‌آموختگیِ آنان از میراثِ دکتر مارتین لوتر کینگ را به‌روشنی نشان می‌دهد.

اگر فعالان صلح می‌توانند شجاعت کینگ در سال ۱۹۶۷ در را در مرتبط ساختن "سه غول نژادپرستی، مادی‌گرایی مفرط، و نظامیگری" را تحسین کنند، پس چرا امروز نمی‌توانند ضرورت آن را دریابند؟ متأسفانه امروز بسیاری در جنبش صلح توانایی دیدن دورنمای پیوند حیاتی میان برابری نژادی، عدالت اقتصادی، و صلح را از دست داده‌اند .همان‌طور که نژادپرستی و تعصب جزئی از سامانه حفظ قدرت و امتیازند، نظامیگری و سیاست خارجیِ مبتنی بر تهدید نظامی و نابودی هسته‌ای نیز از اجزاءِ آنند. نژادپرستی تصادف و یا رویدادی در تاریخ نیست، همان‌طور که نظامیگری نیز چنین نیست. نژادپرستی همچنین در پیوند با حفظ بهره‌وریِ یک درصدی‌ها- که رییس جمهوری پیشین، پرزیدنت آیزنهاور، آن را "مجتمع صنعت نظامی‌گری"خواند – اجرا می‌شود و تحکیم گردیده است.

تابناکیِ رهبریِ دکتر کینگ در آن است که او جداسازی نژادی و نژادپرستی را تکیه‌گاه‌های سامانه ثروت و قدرت دید و توانایی‌شان را در حفظ قدرت، اساسی یافت.او می‌دانست تا هنگامی که اکثریت عظیم مردم -آنچه اکنون ۹۹٪ می خوانیم - متفرق باشند، صاحبان قدرت و ثروت، جهت‌گیریِ سیاستِ دولت، اهرم‌های اقتصادی، و آیندهٔ ما را، در کنترل خود خواهند داشت.

ادامه در صفحه ۱۰

کمک های مالی رسیده

رفیقی از هامبورگ ۵۰ یورو

9 September 2013

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی:
1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و "ای-میل"
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰۴۹۳۰ ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000 0790 0205 80
BIC: BELADEBEXXX

Nameh Mardom No. 929
Central Organ of the Tudeh Party of Iran